

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

هادی یزاد

## عجزه در انتظار معجزه

اشغال کرده و اسناد دپرونده های آن را سوزانده و یا به غارت برده و چهار رتن از دیپلماتها را زندانی کرده اند، بی درنگ بعنوان معامله به مثل ۱۴ تن از دیپلماتهای جمهوری اسلامی را همراه با خانواده ها به ایشان توقیف می کنند و رسماً "به حکومت تهران هشدار می دهد که اگر ضرب و جرحی بر هر یک از دیپلماتهای سعودی وارد شود متقابلاً" یکی از دیپلماتهای جمهوری اسلامی مورد ضرب و جرح قرار خواهد گرفت و اگر یکی از آنها بقتل رسد بلافاصله همتای او بقتل خواهد رسید و در ازای آزادی هر کدام یک نفر از آذخا هشداد و هنگامی که معاون ولایتی به بیانهی بررسی اوضاع وارد بقیه در صفحه ۲

رشدی شاردان، نماینده مجلس ترکیه:

### حکومت خمینی،

### حرکت جهل

### و کور اندیشی ست

مجله آکس چاپ ترکیه با " رشدی شاردان" نماینده مردم " از میر" در مجلس شورای ملی ترکیه مصاحبه ای در باره رژیم جمهوری اسلامی و روح الله خمینی انجام داده است. در اینجا کوتاه شده ای از این مصاحبه را به آگاهی شما می رسانیم:

مجله آکس می نویسد: رشدی شاردان به ادبیات و بعضی از زبانهای شرقی آشناست. ترجمه های وی از شاهکارهای ادبیات فارسی از سوی وزارت آموزش و فرهنگ ترکیه چاپ شده است. وی به علت تلاشهایش در زمینه ادب فارسی از ایران جایزه دریافت کرده است و کنگره ای درباره حافظ برپا و داده کرده است.

خبرنگار آکس از شاردان می پرسد: جمهوری اسلامی ایران چگونه حکومتی است.

بقیه در صفحه ۴

## بزرگمهر دانای ایرانی

در صفحه ۶

مخفی نما نده است که پس از سرکوب بلوای مکه، وقتی دولت عربستان سعودی با خبر می شود که و یا ش حزب الله سفارتش را

حینعلی مشکان

## پشتوانه شرعی!

اگر " مولیر" نماینده نویسنده معروف فرانسوی و خالق آثاری چون تارتوف، خسیس، مردم گرینویس و بیما ریخالی تمام استعداد خود را در هزل نویسی و پسرورش طنزهای اجتماعی مایه می گذاشت تا در باره مبارزه با گران و گرانیهای یک نماینده فکا می خلق کند، از این نماینده فکا می که حضرت امام مودستیاران وی روی صحنه آورده اند مضحک تر در نمی آمد.

گرانی هزینه زندگی در ایران نفیس مردم را بریده است و بین قوه خرید عمومی با تمام عقیمت ها هیچ تناسبی وجود ندارد. نرخ های رسمی هم که فقط روی کاغذ میتوان دید سرگشته آوراست تا چه رسد به نرخهای واقعی یعنی نرخهای بازار سیاه. با آن که امام مکرر فرموده اند انقلاب اسلامی برای آن نبود بقیه در صفحه ۱۲

فریدون رختا

## آرایش زهی سرداران ۲۸ مرداد

اگر با دتا نباشد، وائل، یعنی دوسه سال اول خمینی، این ذخیره های آینه شده مملکت طوری مهربانانه زده بودند که خیال میکردیم خدای نکرده، هفت قرآن در میان، بلائی به سرشان آمده باشد از ناسپاسیهای ملت ایران آنقدر سرخورده اند که به تقلید از سیپیون آفریقای، سردار بزرگ روم که بعد از فتوحات بسیار شورش خوردگی جلای وطن کرد و دستور داد بر سنگ قبرش بنویسند " وطن حق ناشناس، حتمی استخوانهای من از آن تونخوا هود بود" نمی خواهند که لبشان هم برای آرایش ابدی به خاک وطن برگردد.

بقیه در صفحه ۳

## بار آزادی ایران بر شانه ایرانی

کدامین هر دو با دندا نهی از خشم کلید شده، آهنگ جها نگاشتی کردند، اما جهان را که نگشودند هیچ، سرزمینی را و پیرامون دور و نزدیک آن را به نا بودی کشتادند.

یک زمینه مقایسه نیز این است که دنیا، هنگامی که می توانست از بقدرت رسیدن آن ها جلوگیری کند، آنها را بقیه در صفحه ۳

سعید رضوانی

## مضحک مین گذاری

### ومین رومی

### جمهوری اسلامی

بعد از زمان نور " شهادت" جمهوری اسلامی ما نور مین رومی را در خلیج فارس بموقع اجراء گذاشت و از ما را ت متحده عربی اجازت خواست در ساحل آنها نیز اقدام به جمع آوری مین ها کند.

آن مین بهن کردن چه بود، این مین جمع کردن کدام است؟ نه به آن اشتلم کردن و تهدید به زدن کشتی ها و بستن دهانه هرمز، نه به این جا زدن و به هراس افتادن و پیشقدم شدن در حفظ امنیت خلیج فارس. یکی گوسفندی دزدید و میکشت و گوشتش را به صدقه میداد، پرسیدند این چه کاری است که میکنی؟

بقیه در صفحه ۴

آیت الله در مخممه غریبی افتاده است، نه راه پیشرفت دارد، نه راه برگشت؛ راه پیشرفت را دیگران بر او بسته اند، راه برگشت را خود بر خویش بسته است. خمینی، اگر به مرگ طبیعی نمیرد، تقریباً " دستخوش همان سرنوشتی خواهد شد که بهر هیئت رفت. البته، مانند هیئت لر خود کشی نخواهد کرد. دیگری زحمتش را خواهد کشید.

میان او و هیئت رما یزهای دیگری هم وجود دارد؛ بضاعت فکری او، به هر دلیلی، هرگز به پای هیئت رمنی رسد. سوا این، وی به عکس هیئت رما از مکانات اقتصادی - فنی یک کشور پیشرفته صنعتی برخوردار نیست. در ظرفیت اقتصادی و انسانی کشوری را نابود می کند که تا ز چندگامی در راه توسعه برداشته بود.

مهم این نیست که مقایسه ای این چنین هیئت رما کوچک یا خمینی را بزرگ می کند. به هر حال مورخان می توانند بنویسند

بهمن خجسته

## پسته رفسنجان

در سالتا با ریا را، در مزرعه ریگان در کالیفرنیا، غروب آفتاب منظر دل انگیزی دارد. رئیس جمهوری آمریکا، پس از آن که ساعتی از بعد از ظهر روزهای تعطیل را به اسب سواری و هیژم شکنی گذراند، با تنی چند از دوستان نزدیک، در ایوان ویلای خود نم نمک یک پیک ویسکی کهنه اسکا تلند می نوشد.

در این جمع دوستانه فقط خیر انفجارها و مین گذاریها در خلیج فارس نیست که رئیس جمهوری آمریکا را به یاد میسران می اندازد. روی میز کوچکی که در کنار صندلی راحتی اش قرار دارد، پسته های خندان درجه یک ایران، در یک ظرف بلوری ریخته شده است و به عنوان محصول باغ های پسته ها شمی رفسنجان، طعمی سوا طعم تروریسم و آدم ربائی به وی می چشاند. رئیس جمهوری آمریکا عقیده دارد که پسته ایران بهترین مزه ویسکی اسکا تلند است.

بقیه در صفحه ۹

بقیه از صفحه ۱

## عجزه در انتظار معجزه

جده میشود همقطا سعودی اش در فرودگاه به او می گوید "بهر دلیل که به اینجا آمده اید، خواه برای مذاکره و خواه برای عذرخواهی ناچاراً باید به تحقیقات دولت سعودی گردن نهید، و در نتیجه وی را توقیف و پس از ۲۴ ساعت با اولین هواپیما روانی تهران می کنند. در پی این شدت عمل سه دیپلمات سعودی آزادی شونوچها رمی در فاصله کوتاهی به آنها می پیوندد و برای اولین بار ملاحضات احساس می کنند که بیگناهان به آزار و اذیت در می آید. قاطعیت عربستان سعودی و برخورد خشن و بی سابقه ای که در مقابل تحریکات جمهوری اسلامی از خود نشان می دهد و بدنبال آن واکنش آشکارا خصمانه ی قریب به اتفاق کشورهای و مفتیان اسلامی به ابراهیم مددردی با دولت سعودی و تقبیح و محکومیت جمهوری اسلامی - به عقیده ی بسیاری از تحلیلگران سیاسی پدیده ی تازه ای است که در سیاست کشورهای محافظه کار عرب ظاهر شده است و دستاوردی به چند و چون آن، تنها در مسیر تحولاتی میسر خواهد بود که پس از فضای فضاحت "ایران گیت" و تجربه ی ناکام اروپا ثیان به قصد کناره آمدن با "شبه رژیم" تهران جریان یافته است.

واشینگتن پست، روزنامه ی معتبر آمریکائی در مقاله ای زیر عنوان: "با جمهوری اسلامی چگونه باید معاشرت کرد" به زمینه های از این تحولات اشاره می کند:

... حال دیگر مسلم شده است در طول مدتی که فروش غیرمجاز زوینها نی اسلحه به تهران ادامه داشته است، هم آمریکا و هم عربستان سعودی به نوعی خودفریبی مبتلابوده اند. در حالی که بی یگی و پوچی این تصور که گویا "تروریسم خمینی را می توان با چنین روش ها مهار کرد" در حوادث حج سال گذشته برملا شده بود. در آن سال ما موران سعودی در جمع زائران ایرانی، به ۱۷۵ تن از تروریست های کاکشته و انبوه بسته ها و جمدان های مملو از وسایل تخریب و مواد منفجره دست می یابند و ضمن با زجوشی ها تردیدی نمی مانده این گروه آدمکش مستقیماً زیر نظرها شمی رفسنجانی یعنی همان عنصری بسیج شده اند که توجه طراحان فروش اسلحه را به عنوان یک چهره ی معتدل و میانه رو و طرفدار آشتی با غرب "بخود جلب کرده است و در دنباله ی بررسی ها کاشف به عمل می آید که قرا ر بوده است آن وسایل تخریبی نه تنها در ایجا د آشوب بهنگام مراسم حج، بلکه هم چنین در شیخ نشین های خلیج فارس و حتی پاره ای از کشورهای اروپائی نیز بکار آید. نکته ی شنیدنی این است که در همان زمان مقامات سعودی به اشاره و ملاحظید امریکا از محاکمه ی تروریست های زندانی چشم می پوشند و طولی هم نمی کشد که همه آنها به "تقاضای" رفسنجانی آزاد دوراهی ایران می شوند

ابا جالب توجه است که بلواگرانی که در واقعه ی امسال بدام افتاده اند غالباً همانها می هستند که آ شوب سال گذشته را تدارک دیده اند. و ا شینگتن پست سپس توضیح می دهد: ابتدا تصور می کرد که به این لغزش بزرگ انجامید تنها زمانی با قطعیت پذیرفته میشود که سازمانهای اطلاعاتی بنا بر شواهدی درمی یابند که کارگردان اصلی حزب الله در لبنان کسی جز رفسنجانی نیست و هم او است که به ربودن "چارلز گلان" خبرنگار تلویزیون "ان بی سی" فرمان داده است. کشف موضع رفسنجانی در عملیات تروریستی سرانجام مشاوران ریگان را متقاعد می کند که ادامه ی

در حل و فهم مسائلی که کمترین حاجتی هم به زحمت و کنکاش ندارد، تا این درجه ناشیانه عمل می کنند و چنین کودکانه لنگ میزنند. آیا واقعا "آگا هی" به ذات معرکه ای که بنایش از آغاز زبرویرا نگری و ما جراحی و غارت و مرگ بالا رفته است به عبور از این سنگلاخ ها و پیچ و خمها نیازی داشته است؟ کدام نقطه از این مرداب غن و سوسه انگیز بوده است که این "قافله سالاران سیاست و تدبیر و جفا ندری" را به غوطه خوردن و شنا کردن برانگیخته است؟ گفتن ندارد که این نخستین بار نیست که "اولیاء و خواجگان قدر قدرت جهان"



سیاست موجود سخت پوچ و بی ثمر است و چاره ای جز بازگشت به مرزبیشی - نمانده است. و ا شینگتن پست بنقل از "یک مقام مسئول" اضافه می کند: "وضع و احوال روشن ساخت که برداشت های گذشته ی ما منطقی واقع بینانه بوده است و افسار زدن به تروریسم رژیم ملاحها دست کم تا زمانی که خمینی زنده است خاصه با این گونه روش ها نامقدور است. " دقیقاً "پیدا است که این نظر، با زتاب عقیده ی شولتز (وزیر خارجه) و مخصوصاً گاسپارو اینبرگر (وزیر دفاع) است که این دومی با رها گفته است: انتظار ظهورا عدالت در این جمع دیوانگان نماینده ی کج فکری و بی خبری است. اما این همه را بگذاریم و در جمع خود به حکایتی از حال و حال آن "موجودات مسخ شده ای بپردازیم که بر بسود و نبود و سرنوشت و حتی تنفس خود جز در حصار جبر و جادوی "خداوندگاران" عالمها و رندا رندوچنان بر ملیلیم اوها میخکوب و چنان طلسم شده اند که هیچ تکان و هیچ باطل السحری در آنها کارگر نیست. چشم دارند و لوسی نمی بینند که این "ارباب قدرت" در کناره های ریفی انتهای سازمانهای جاسوسی و ضد جاسوسی و موسسات ریز و درشت اطلاعاتی و تحقیقاتی و این ابزار حیرت انگیز خبرگیری و خبررسانی، چگونه

در اعجاز که سهل است به کار امروز تا فردای خود نیز در می نمانند. حوادث منتهی به فاجعه ی بهمن ۵۷ نمونه دیگری است که آن نیز هرگز منتظران چراغ سیزودخیل بندها را به هوش نیاورد. دیدیم و هنوز هم می بینیم که چطور این "عجزه در انتظار معجزه" اما مزاده ها همچنان حیران و جا دوزده خشک شده اند. دهها کتاب و صد ها سند و شاهزنده در میان است که از حیرت و سردرگمی همین "اولیاء جهان"ی، در آن ایام طوفانی پسرده برمی دارند و شواهد می دهند که گذشته از عوامل متعدد درونی، عامل مهمی که به سبب خود بر این آتش همگیردا من زد همین جا دوزدگی، همین چشم براهی و همین انتظار عنایت و دستگیری از "خداوندگارانی" بود که خود در کار خود فرومانده بودند. چشمها به جای نگاه به ملت و دستها به جای جستجوی یک داروی شفا بخش به دهان و دست سفیری به ای دوخته بود که گویا چون رسالت از یک ابر قدرت گرفته است معجزه گر و کارگشا نیز هست و دیدیم تنها وقتی به عرب شده ی طوفان اندکی بهوش آمدند و به تمکین بریک دولت ملی رضا دادند کار زکار گذشته و فرصت ها سوخته بود، درس مکتبر حوادث، اعلام محکومیت و زوال عناصری است که از خود ما به ای ندارند و پیکره و بودند و نبود خود را به عمارت غیر بسته اند، عمارتی که پیداست صاحب خود را نیز

بدشواری تحمل میکند. این درست است که خمینی گسری در گهواره ی اختناق پرورده و پروا رشدولی با یاد افزود "اختناق که بینا بر طبیعتش از تکیه گاه درونی محروم بود - چاره ای نداشت جز آنکه خود را به عنایت "دیگری" بند کند در حالیکه این "دیگری" نیز خود در کلاف سردرگم تصمیمها وضد تصمیمها گرفتار بود. و این روندی بی استثناء است. رژیم خمینی هم که سالها با دروغ "نه شرقی و نه غربی" لاف زده و رجز خوانده است، حال که پشت خود را خالی و دیوار فریب را شکسته می بیند، بناچار رکشکول در یوزگی را برمی دارد و به خدمت "شیطان و اشنا لگرتدس عزیز" می برد و ناخواسته عجزبان را برمسلا میکند که علی رغم اذرمها، دیگر روی پای خود بند نیست.

همان روزهای ظهوریلا از زبان حوادث شنیدیم و هم مروزی شونیم که تکیه بر رحمت "خواجگان قدر قدرت" تمام معنای خود فریبی است. انکارنا پذیر است که زمانی دراز - قرن ها در پی قرن ها "اصل بی چون و چرای "حق با قوی است" معنا و مصداق تمام داشت اما در این زمانه که به "عصا بر قدرتی" انگ خورده است، این بیداری و همت ملت ها در یکسو و عرصه رقابتها و تضادهای که از درون نظم ابر قدرتی می جوشد، در سوی دیگری است که رشته های وابستگی و چاکری را ست می کند. روزگاری نیست که بر آفتاب غروب نا پذیر "امپراطوری بیابانند و بنا زندوسیات و فرمانروائی را ارضیه بی زوال خود بداند.

آن سو (درلستان و افغانستان) پای ابر قدرتی در همان تله ای گیر می کند که خود نشاند است و این سو دیگری ما هم و سالها در سنگلاخ حیران است و وقتی بهوش می آید که فضا حت عالمگیر شده است. و ا شینگتن پست در همان مقاله ای یا د شده در پی شرح کاملی از کج رویها و "خود فریبی ها"ی غرب که ما هم و سالها در جنگل وحوش به سودای دستا بی به جانوران مها رپذیر خود را رنگ کرده اند (درصاحبها لوموند) نتیجه میگیرد: "سیاست صحیح و منطقی با جمهوری اسلامی، شدت عمل و بالاتر از شدت عمل است." و این را غرب سرگردان، ظاهراً "هضم کرده است.

ولی به قول نویسنده "همرزما، سؤال اساسی این است: "این بیداری بر حضرات مبارک با دولتی چرا اینقدر دیر؟" آیا ملیون ایران نگفتند و نگفتند که در این تیمارستان موسوم به جمهوری اسلامی "سراغ از اعلان گرفتن خود نشانه ی حیرت اعلای دیوانگی است؟" آیا دکتر بختیار نه یک بار که دهها بار درصاحبها و گفتگوهای خود با روزنامه نگاران و زما مداران غرب نگفت: "غرب نباید در باره ما هیت و عمل رژیم جمهوری اسلامی دچار توهم شود؟" گفت: "عادی سازی روابط با دولتی که قوانین بین المللی، عدالت و

## بار آزادی ایران بر شانه ایرانی

بقیه از صفحه ۱

هنوز درست نشناخته بود، و هنگامی که آنها را درست شناخت، دیگر ویرانی‌ها ببار آمده بود. چمبرلین، حتی در سال ۱۹۳۹، به سفیر خود در آلمان گفت که در جشن سالگرد تاسیس حزب نازی شرکت کند. با آن که هیتلر به چکسلواکی دست دراز کرده بود. این وقایع در حافظه تاریخ ضبط شده است؛ اما سبب نشد که نسل مساز آن تجربه با پست‌های بی‌بند و بار، تفاوت تجربه‌های تاریخی با تجربه‌های علمی از جمله در این است که تجربه‌های تاریخی همواره به همان شکل تکرار نمی‌شوند، به همان شکل تکثیر و رشد نمی‌کنند. هر نسلی با دیدن ربا با گوشت و پوست خود بیا زما بدو لمس کند و بهیچ‌اش اشتباهی خود را که غافلبار بسیار

بقیه از صفحه ۱

حق هم داشتیم چنین تصویر باطلی را به ذهن راه بدهیم. بعد از آنکه رژیم، در دو قدمی دروازه تمدن بزرگ بدست خیمینی ملعون فروریخت، این ززم‌آوران گذشته، ما که با مختصراً ندوخته، کتیمین و عرق جبین ۲۵ ساله، راه غربت پیش گرفته بودند، البته به قصد حفظ امنیت وجود خود برای آینده، زیر زمین خریدند. این سرمایه‌ها دوسه ساله‌ی طوری زیر خاک مانده‌اند که از شرق تا غرب عالم، برای نمونه هم شده، شما یک وزیر سابق - یک امیر لشکر سابق - یک سفیر سابق - یک سنا تور سابق سراغ نمی‌کردید.

بنده یکی از نادرکسانی هستم که در سالهای ۵۸ و ۵۹، بر حسب تصادف سعادت با زشناسی دوسه نفر از وزیران سابق را، علی‌رغم تغییر قیافه، یافتیم. یا دم هست که یکی از آنها بعنوان استتار، زلفش را بور کرده بود، که به شما اطمینان میدهم با چه سبزه‌ها میل به زردی او، قیافه‌اش با دکوراسیون جدید ادا و بهیچ عنوان دلیلی و حتی دیدنی نبود.

اما با اواخر روزی رسید که مخاطرات ارضی و سماوی را دور دیدند و به میمنت و مبارکی به سطح بازگشتند.

در این مدت آخوند بلائی به سر ملک و ملت در آورده بود که وای آن قابل تصور نبود. آنقدر آدم‌گناها را از دم تیغ گذرانده بود که چنگیز مغول و حجاج بن یوسف هم اگر سر از خاک بر میداشتند، احساس معصومیت می‌کردند. قتل و جنایت و دزدی و جنگ و قحطی و اختناق حدنصاب تاریخی بدست آورده بود.

دیگر وقت وقت بود. ذخیره‌های گرانقدر ما، بمرور به جلوه در آمدند و نطقشان به مقایسه با زشد:

- کی دادگاه‌های نظامی ما مخالفان را با محاکمات چند دقیقه‌ای جلوی جوخه اعدا می‌فرستادند؟

- کی ساواک ما پیش از اعدا مخسسون محکومین را از بدنشان بیرون می‌کشید؟

یافت و این سرنوشت رژیم را تعیین می‌کند.

درست است که خمینی مسائل اقتصادی - اجتماعی یا مسأله‌ها نشینی خود را به منظور تاسیس آئینده، رژیم سلامی هرگز جدی نگرفته است؛ اما مسأله جنگ در نژاد و با فاصله‌ی زیاد، مهمترین است. خوب می‌دانند که اگر کار جنگ را نتوانند به پیروزی برسانند، دیگر جانی برای مسائل اقتصادی یا مسأله نشینی‌ها نیست. وقتی که دیگر رژیم وجود نداشته باشد، بحث درباره چشم‌اندازهای اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی آن و اندیشه کردن برای ایجاد ساختارهای به منظور ادا مسأله آن، بحثی اصلاً بیهوده است.

و خوشبختانه جهان دریا فته است که در کجا بایردا را بر ادا مسأله حیات رژیم خمینی برید. تمامی آرایش نیروها و قدرت‌نمایی‌ها در خلیج فارس برای این است که نشان داده شود در صورت کامیابی خمینی در جنگ کنونی، نقطه انفجارهای بعدی در کجاست و در اینجا است که می‌توان گفت

## آرایش رژیم سرداران ۲۸ مرداد

زادند. مقایسه وضع کنونی با وضع گذشته - اندرز به ملت ایران برای اتحاد و تفاق و تشویق مردم به رستاخیز ملی برای سرنگون کردن رژیم غاصب - اعلام ضمنی آماج خود برای بدست گرفتن سکان کشتی نجات کشور و بازسازی میهن رنجیده.

این راهم عرض کنم که در این مرحله، هر وقت ما مدیم یک کلمه از زخمت و خواری و ابستگی و عوارض بیست و هشت مردادی بگویم و جزئی از یک سینه‌سختی را بیرون بریزیم، عده‌ای بریدند - سوی دلما که آقا، در چنین موقعیت خطیری تفرقه اندازی نکنید، ما هم مثل بچه حرف شنو، دهانمان را چفت کردیم.

در مرحله بعد یک تصحیح مختصری در یکی از بخش‌های این "سنو" میهنی رجال بعمل آمد: وقتی ده‌ها کتاب و رساله و مقاله از طرف مقام‌ها را از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، مثل "کرمیت روزولست" و "وودهاوس" و دیگران در باره جزئیات کودتا انتشار یافت و از طرفی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس بعد از مدت‌آمبارگی قانونی منتشر شد - غیر از معدودی مبتلای بیماری تعصب کلیشه "قیام ملی" را حفظ کردند، بقیه که آدم‌های تحصیل کرده و باهوشی بودند، ابتدا صفت "ملی" را از ته قیام ملی حذف کردند و بعد که خیلی شورش در آمد "قیام" را هم زیر سبیلی در کردند و عنوان لخت و عور ۲۸ مرداد را برگزیدند و آخر الامر به کودتا هم در کمال هوشمندی رضایت دادند ولی کودتای نجات بخش و عیسی دم که در آخرین لحظه به داد کشوری در حال احتضار رسید.

- کی نخست وزیر ما در راهروی سازمان ملل متحد، در حضور خبرنگاران جو را پیش را در می‌آورد و پایی عرق کرده‌اش را روی میز می‌گذاشت؟

- کی سفیر ما به گوش قاضی دادگاه بین المللی لاهه سیلی میزد؟  
- کی... کی... کی...؟

جلوه‌گری آنها در این مرحله عبارت بود از یک مقاله اینجا، یک سخنرانی آنجا و یک مصاحبه‌ی دیگر.

در این مقالات و مصاحبه‌ها طوری بی‌خیال و بی طرف و بی‌گناهی طرح مطالب می‌کردند که انگار روزیران و وکیلان مملکت دیگری بوده‌اند و فقط از طریق وسایل ارتباط جمعی یا تاریخ، با وقایع گذشته ایران آشنا شده‌اند. خلاصه‌انگار رنه‌انگار که مردم علیه خود آنها طغیان کرده بودند، منوی سفره دل آنها هم با تفاق و تنوعه بیان، تقریباً "یکنواخت بود:

شرحی از دستاوردهای رژیم گذشته در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، با یک نوک قاشق چایخوری انتقاد، در دیدگاه هفت منی تعریف و تجلیل (انتقاد از برنامه‌های بلند پروازانه برای ملتی که هنوز قاپلیت و لیاقت آنرا نداشت) - یک مقداری بدویرا هتا حد فحش و فبیحت به دوران ملی شدن صنایع نفت و حکومت ممدق - تجلیل از قیام ۲۸ مرداد که مملکت را از بلشویک شدن نجات داد - اشارهای به دلسوزی‌های که هنگام تصدی خود کرده بودند ولی بعلت عجله رژیم در ترقی و تعالی عزقبول نیافته بود - شمای از سیاهکاری قدرتها بزرگ که تاب تحمل یک ژاپن دوم در دهه آئینده را نداشتند و به خیانت تاریخی گوا دلوب دست

اگر چه همه تجربه‌های تاریخی یک نسل به نسل بعدی انتقال نمی‌یابد، دست کم بخشی از آن انتقال می‌یابد.

هشیا ری‌ناشی از این تجربه سبب گردیده است که رژیم خمینی بیشتر از همیشه در جاه انزوائی بین المللی بیفتد. مگر معجزه‌ای بتواند او را بیرون آورد. این برای ملت ایران البته بسیار خوشحال کننده است، ولی خوشحالی نباید موجب غفلتی خاطر آید.

غفلت خاطر آید. آمیزا بین است که بپنداریم دنیائی که راه پیروزی‌های جنگی خمینی را بسته است سرنوشتی رژیم را نیز به گردن خواهد گرفت.

چنین پنداری خطاست. در تلاش برای برافکندن این رژیم هیچ شانه‌ای جز شانه ایرانی نباید زیر بار ریسورد. شانه‌ی زیر بار دادن مانده تنها برای رهائی امروز اهمیت دارد، بلکه حاکمیت ملی فردای ما را بر ستون‌های استوارتری بنیاد خواهد کرد.

در این میان، گاهی گداری، یک رهگذر ساده، از سوز دل خطاب به آنها چهار سطر می‌نوشت و می‌پرسید:

- خوب، آقا، این، اگر اینطور که می‌گویند کودتای ۲۸ مرداد مبارک سحری و فرخنده روزی بوده است، پس چرا مملکت به این فلاکت افتاد و رژیم استوار و پیشرو بیست و هشت مردادی، به این آسانی در هم پاشید؟

جواب خیلی مختصر و مفید و تلگرافی بود: ایران در شرف وصول به مرتبه پنجم قدرت جهانی - قدرتها از هیبت این رقیب نوظهور نگران - کنفرانس گسوا دلوب تشکیل - محمدرضا شاه حرکت - خمینی فرستید.

با زبکی این وسط پیدا می‌شد و خیلی معصوما نمی‌گفت:

- پس ممدق بیچاره آدم روشن ضمیر و دلسوزی بود که میگفت: من پادشاهی می‌خواهم که اگر یک روز خا رجی گفت برو، بگوید من پادشاه این مملکت و هیچ کجا نمی‌روم.

در جواب از کتاب مرحوم محمدرضا شاه - آنجائی که مینویسد در دمرض سولیوان و هویر فقط این بود که ساعت حرکت مرا بداند - شاهد مثال می‌آوردند که وقتی قدرتها تصمیمشان را در گوا دلوب گرفته بودند، مگر میشد مقامت کرد؟

با زبکی فزولی می‌پرسد:

- آیا قدرتها میتوانند در گوا دلوب جمع بشوند و تصمیم بگیرند که لئوپولیدیلزیک یا کارلوس اسپانیا یا ریچوگا ندی هنداز مملکتشان برونند؟

- ای آقا، جواب ابلهان خاموشی است. تا اینجا قضیه برای مردم که گرفتار بدبختی‌های خودشان بودند، عادی شده بود و کسی کاری به آنها نداشت. تنها روزنامه‌های خمینی گاهی، ظاهراً برای انبساط خاطر خوانندگان خود، متن کامل یا قسمتی از مقالات آنان را نقل میکردند.

## مضحک مین گذاری

### ومین رومی جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۱

گفت گنا ه دزدی با ثواب صدقه برابرمیشود در این میان پوست و روده اش برای من میماند! اما اگر درگوسفند زدیدن و گوشت آن را به صدقه دادن بتوان پوست و روده یی منفعت بردا این بازی دوگانگی که جمهوری اسلامی پیش گرفته سراپا پیش برای ایران ضرر است و با زهم منفعتش نصیب همان هایی میشود که از یکطرف به آیت الله خمینی قایق تندرو میروند دریا میفروشند تا بتوانند خلیج فارس را نماند، از طرف دیگر برای حفظ امنیت خلیج فارس نیرو به آنجا میفرستند.

احتمالا شما خواهید گفت آنچه آخوندها میکنند از سر جهالت نیست، آنها را آورده اند که همین کارها را بکنند و جز این اگر میکردند عجب بود.

حق هم دارید. تنها با چنین فرضی که معتقدان زیادی دارند میتوان به حل معما نزدیک شد و الا عقل باور نمی کند که یک حکومتی صرفا "از روی جهل و ندامت کاری اینطور خودش و ملت و مملکت را در مهلکه بیندازد و هیچ قدمی بردارد مگر به ضرر ایران و بفتح دیگران.

اگر بپذیریم قدرت های استعماری با محاسبه دقیق و براساس یک توطئه همه جانبه، آخوندها را در ایران بقدرت رسانند تا چنین اوضاعی ایجاد شود و به برکت آن بتوانند درآمدهای نفتی منطقه را غارت کنند و بزرگترین بازار فروش اسلحه را در طول تاریخ بوجود آورند و سلاحها را در دوران زمزمهای خودشان در معرض آزمایش بگذارند،

تحلیل قضا یا واقعا "آسان میشود و عقل از ورطه حیرت نجات می یابد. در غیر این صورت مجبوریم فرض دیگر را قبول کنیم که برای شریک تیره بختی تاریخی، اختیار پنجاه میلیون جمعیت و کشوری پهنا و روش و تمدن بدست گروهی جا هل شریرا افتاده است که خودشان هم نمی فهمند چه میکنند و از فرط درماندگی، به هر خطی تن میدهند و هر خطی را می پذیرند.

در زمان فتحعلی شاه که آخوندهای مخبط هنگامه جو ایران را به جنگ بساروس کشانند، یکطرف ایران بود و یکطرف روسیه تزاری و آخرش هم دیدیم آن دیوانگی بچه قیمتی برای ایران تمام شد. در جنگ فعلی - که خدا عاقبتش را به خیر کند - هیچ معلوم نیست ما با کسی طرفیم و از کدای طرف حمایت می شویم.

نه دوست پیدا است، نه دشمن. مطبوعات فرانسوی هفته گذشته فاش کردند مین هایی که در خلیج فارس رها شده مین های فرانسوی است و فرانسویان آنها را با دستپاچگی بلژیک و سوئد به جمهوری اسلامی فروخته اند. در همین حال، آمار رسمی نشان میدهد که در ماه ژوئن، فرانسوا ایران ۷۱۸ هزار تن نفت خرید و جمهوری اسلامی در بین صادر

کنندگان نفت به فرانسه مقام اول را داشته است. جمهوری اسلامی به فرانسه نفت میفروشد و با پول آن از فرانسه "میس" میخرد. مین های ساخت فرانسه توسط جمهوری اسلامی در خلیج فارس رها میشود. دولت فرانسه به آنها این که خلیج فارس برای رفت و آمد نفتکش ها و کشتی های بازرگانی ناامن شده است رزمنا و کشتی های مین جمع کن خود را به خلیج فارس میفرستد. جمهوری اسلامی در مقام مقابله، ما نورشهادت ترتیب می دهد و تهدید میکند که هرگاه ناوهای نظامی فرانسه و آمریکا به خلیج فارس بیایند فقط با مین های انفجاری بلکه با قایق های انتحاری جمهوری اسلامی روبرو خواهند شد. ما پس از چند

رشدی شاداغ، نماینده مجلس ترکیه:

### حکومت خمینی

### حرکت جهل و کور اندیشی ست

بقیه از صفحه ۱

شاداغ پاسخ میدهد: حرکت و حکومت خمینی حرکت گروهی ملای جا هل و تاریک اندیش است. آکس می پرسد: آیا این گروه چطور توانستند برابرانمهد تمدن، مسلط شوند؟

شاداغ پاسخ میدهد: وقتی رضا شاه پهلوی در راهس یک هنگ نظامی و ارتش تهران شد شاه قبلی را از سلطنت خلع کرد و به تمام کشور تسلط یافت. وقتی تهران سقوط کند در ایران رژیم عوض میشود.

مجلسه آکس می پرسد: آقای شاداغ خمینی چگونه توانست بر ایران به این وسعت تسلط یابد؟

شاداغ میگوید: چند علت و سبب وجود دارد که موجب سقوط تهران و در نتیجه ایران شد. شاه نتوانست جهان را از ایران ریشه کن کند.

عملیات ما رکبستهها و گروه های چریکی زیرزمینی، مسلح شدن مردم و مخالفان اصلاحات ارضی، همچنین کمک های نقدی ملاکین سابق به خمینی و همکاری مرتجعان با وی، دلایل دیگر بودند.

هفته نامه آکس می پرسد: فکر میکنید این رژیم با برجا و ماندنی است؟ رشدی شاداغ پاسخ میدهد: در تاریخ ایران امثال خمینی و گروه های تروریستی وی بسیار بوده اند ولی سرانجام همه آنها بوسيله ایرانیا غیور لگد مال شده از بین رفته اند، خمینی هم رفتنی است.

آکس می پرسد: آیا حرکت ها و فعالیتها ئی از سوی بوزیسیون وجود دارد؟ شاداغ میگوید: مردم ایران از گروه های جب و بسته و طرفداران ایدئولوژی مانو نفرت دارند، این گروهها برای سرنگونی رژیم خمینی فعالیت دارند اما نخواهند

روز صفحہ را از آنطرفش می گذارند و برای جمع کردن مین ها دست بالا میزنند و میگویند ما گفته بودیم گرانها به خلیج فارس آمدند و به ما حمله کردند، آن وقت ما هم چنین و چنان خواهیم کرد! در همین محدوده - که جزء کوچکی از مای خلیج فارس و جنگ ایران و عراق محسوب میشود - وقتی نگاه کنیدی ببینی صد معادله هاش به نفع فرانسه است و بضر ایران. یعنی در حالی که فرانسه ظاهرا "در جنبه مقابل قرار دارد و کارش با ایران به مرحله قطع روابط سیاسی رسیده است، نفت از جمهوری اسلامی میخرد چون این ارزانترین نفتی است که میتوان خرید. مین دریا ئی و سلاح های دیگر به جمهوری اسلامی میفروشد چون خریداری بهتر از این پیدا نمیشود. جمهوری اسلامی خیال میکند با سلاح های که از فرانسه خریده است میتواند کشوری را که سا زنده آن سلاحهاست تهدید کند، در نتیجه فرانسه را به خلیج فارس می کشاند و بقدرت نمایی و میدارد و وقتی می بیند سنبه پر زور است جا میزند و عقب می نشیند. تنها جم غلط، جا زدن غلط، سوار شدن، یک غلط - بیاد شدن، دو غلط!

در باقی موارد هم وضع بهمین قرار است. در رابطه با انگلیس، با آلمان غربی، با شوروی، با آمریکا، با چین کمونیست، با اروپای شرقی، با امریکای لاتین، با اعراب و همه و همه، بازی های غلط جمهوری اسلامی باعث شده است که ایران با زنده باد شود و دیگران برنده. ما منفرد ما نده ایم، دیگران متحد شده اند. ما امتیاز داده ایم، دیگران امتیاز گرفته اند. ما ضعیف شده ایم، دیگران قوی شده اند. ما جای خودمان و اعتبارمان و اقتدارمان را در خا نواده جانی از دست داده ایم، دیگران جای خودشان را محکم کرده اند.

مملکت ما و ملت ما دارنده آتش جنگی میسوزد که اسم آن را جنگ اسلام و کفر گذاشته اند ولی هیزم این جنگ را چین کمونیست و کره شمالی و بلخارستان و آلمان شرقی تا مین میکنند یعنی کشورهای شرقی که نه تنها بوسیله از اسلام نبرده اند بلکه زیر پای عیسی و موسی و ذات ذوالجلال والاکرام را نیز در قلمرو خودشان جا رو کرده اند!

اسلامی موبد این امر است. مگر در روزنامه ها عکس پرچمها و شعارهای اعضای به جبهه رانمی بینید و شعارهای روی پرچمها را نمی خوانید. فقط نوشته است "لا اله الا الله" و "محمد رسول الله" را حذف کرده اند. میان خدا و بنده شریک کیست؟ مگر حضرت محمد نیست؟ آن وقت روی پرچم بچه های کوچک نوشته اند: "الله اکبر خمینی رهبر" و از بیبا میسر هم پیا میتر است.

هفته نامه آکس در جای دیگری از مباحثه خود با رشدی شاداغ وکیل "از میسر" می پرسد: آقای شاداغ خمینی چگونه میخواهد رژیم خود را توسط عوامل تروریستی خود به ترکیه تحمیل کند و چرا حکومت ترکیه به رژیم خمینی، با نظر خوش می نگرد؟ چگونه به خرابکاری جمهوری اسلامی در ترکیه بی توجهی میشود؟

شاداغ پاسخ میدهد: در تاریخ جمهوری ما، این موضوع واقعا "شرم آور است من هم با قلم و هم در مجلس آنچه میتوانستم در این باره بگویم و هشدار دادم. اما حکومت ما گوش بخواب زمستانی رفته است و بیدار نمی شود. هنوز حزب حاکم و سایر احزاب مخالف، خطرات رژیم خمینی را درک نکرده اند.

اکنون معلوم شده است که رژیم خمینی گروههای تروریستی تشکیل داده است. خمینی خود را خلیفه جهان اسلام میدانند. ببینید خمینی با زائران حزب الهی اش در مکه دست به ترور میزند و "نوی ترور" اجرا میکند. آنها در نامه های بی امضاء خود، من را کافر خطاب میکنند، و علاوه بر آن تا تورک، تشکیلات دینی ما را نیز به بی دینی و کفر متهم میکنند. خمینی لبنان را تجزیه کرده است، ایران و عراق مسلمان را با سلاحهای آمریکا ئی و اسرائیلی و سایر کشورهای مسیحی نابود میکند. توسط رادیو جمهوری اسلامی به ترکیه دشنام و ناسزا میگوید. این چگونه انقلاب اسلامی است؟! سلام به خودی خود یک انقلاب است و نیا زمند به وکالت خمینی نیست.

توانست در ایران حکومت را در دست گیرند.

آکس می پرسد: آیا بوزیسیون های دیگری نیز وجود دارند؟ شاداغ پاسخ میدهد: بلی، تا یوربختیار، طرفداران شاه بهشتین و روشنفکران که در چها رگوشه جهان فعالیت دارند.

شاداغ بختیار برای دین اسلام و مسلمانان احترام زیاد قائل است. اما به شخصیتی مانند تا تورک که مذهب را از سیاست جدا کرد با نظر تحسین و احترام مینگرد. مردم ایران میخواهند بسا

اتکا به دکتر بختیار و مبارزه بسی اما نش با رژیم خمینی، به حکومت سوسیال دموکراسی دسترسی پیدا کنند.

آکس می پرسد: آقای شاداغ شما در دین اسلام متبحر و با تجربه هستید، آیا اسلامی که خمینی در ایران برقرار کرده است بسا اسلام واقعی مطلق است؟

شاداغ میگوید: به هیچوجه، آنچه انسان را زجر میدهد این است که در صدر اسلام اهالی مکه مسلمانان را شکنجه دادند و قصد جان حضرت محمد را نیز کردند. اما آن حضرت که با قشون و قدرت شمشیر و ردمکه شد اعلام کرد که کسی حق ندارد به مردم مکه آزاری برساند، زیرا در اسلام کینه و دشمنی وجود ندارد، در حالی که در ایران خمینی دختران ۱۲ ساله را با نكاح جماعت تما حب و به نام موسوی تجا و می کنند و چند روز بعد پدرش را به عنوان این که خدا انقلاب است اعدام می کنند. این رژیم متجاوزانه هزارانسان بیگناه را کشته است.

آکس می پرسد: گوئی خمینی را بجای بیغمبر قلمداد میکنند.

شاداغ میگوید: اعمال و حرکات جمهوری



## راه‌های محتویات قرآن نوشتۀ صادق

اطلاع یافتیم که کتاب "راه‌های محتویات قرآن" نوشته محقق دانشمند، صادق، منتشر شده است. خوانندگان ما باید دارندگان این اثر تحقیقی بی نظیر برای اولین بار، در قیام ایران، به صورت مقالات مسلسل، از شهریور ماه ۱۳۶۱ تا آبان ماه ۱۳۶۲ منتشر شده و قبلاً عظیمی یافت.

لازم به یادآوری است که تالیف مذکور اولین بررسی علمی و تحلیلی قرآن به زبان فارسی است که نه تنها برای مسلمانان، بلکه شاک به شناخت دقیق کتاب آسمانی خود باشد، غنیمتی عظیم است، بلکه برای محققین غیرمسلمان و علاقه مندان آشنائی با مسائل مربوط به ادیان، میتوانست منبع مراجعه معتبری باشد.

این کتاب، در ۳۷ صفحه با کاغذ جلد مرغوب، در انگلستان چاپ و منتشر شده است. نویسنده، در دیباچه، دربارۀ هدف و علت تالیف - دوره‌های سگانه نزول قرآن - فرق بین سوره‌های مکی ومدنی - نحوه جمع آوری قرآن... توضیح روشنی میدهد. در فصول هشتم تا کتاب کلیه محتویات قرآن بر حسب موضوع با ارجاع به آیات مربوطه عنوان شده است بطوریکه خواننده هرگاه بخواهد مثلاً "بدانند قرآن در باره ازدواج - طلاق - ارث - احکام جزائی - جنگ و غیره چه حکم کرده است، به‌راحتی به مطلوب خود دست می‌یابد.

فهرست‌های آغا زویایان کتاب مراجعه را بنحوقاً بل ملاحظه‌ای آسان میکند، بقراطلاع ترجمه انگلیسی این کتاب که اخیراً چاپ و منتشر شده، مورد توجه مجامع و محافل علمی و دانشگاهی اسلامی قرار گرفته است. ما بعنوان معرفی "راه‌های محتویات قرآن" - قسمتی از دیباچه آن را نقل می‌کنیم:

\*\*\*

این کتاب بطوری که عنوان آن نشان می‌دهد راه‌های محتویات قرآن یا فهرست مشروحات آیات قرآن است. ما ضمن مطالباتی که برای تنظیم آن بعمل آورده‌ایم و بخصوص ضمن تعیین مطالبی که در صفحات آینده در باره آن بحث خواهد شد حدود موضوع کتاب را اکتفاً رعایت کرده‌ایم و به علت این محدودیت از طرح بسیاری موضوعات که جزئی از اصول و احکام اسلامی را تشکیل می‌دهند و لسی در متن قرآن ذکر نشده اند خودداری

کرده‌ایم. تصریح و تائید کید این نکته از آن جهت ضروری است که ممکن است خوانندگان به‌گمان آنکه تمام آنچه در اسلام است در قرآن وجود دارد انتظار داشته‌باشند مطالبی جزو مندرجات این کتاب آمده‌باشند که ما از چهار چوب آن خارج دانسته و به بحث دربارۀ آن نپرداخته‌ایم.

این حقیقتی است واضح که قرآن مهمترین اصل از مناجات اسلامی است اما اصول و عقاید و احکام دین اسلام طی قرن‌ها با رجوع به منابع دیگر که فرع بر قرآن می‌باشند توسعه یافته‌اند. در بین این منابع از همه مهم‌تر سنت است یعنی قول فعل و تقریر پیا میر و اهل سنت و سنت و احکام کثرت شیعه را تشکیل می‌دهند. مجموع این سنت‌ها بعلاوه آنچه از منابع دیگر گرفته شده (یعنی نتیجه بحث و اجتهاد فقهای اسلامی و آنچه آنها به وسیله اجماعیایا سنت یا ادله عقلیه و قواعدی هما ننند آنها از سنت استنباط کرده‌اند) در حقیقت مکمل مندرجات قرآن محسوب می‌شوند. یک نکته قابل توجه این است که حتی بعضی از مسائل مهم در دین که از فرایض شناخته شده اند مانند نماز و روزه و زکاة و بسیاری غیر آن‌ها هم که از آن در قرآن یاد شده فقط به اجمال و اختصار از آن سخن رفته‌اند اگر سنت پیامبر بیان کنند و شارح آن نشود نمی‌توان حدود آن را دقیقاً تعیین نمود. بدین ترتیب واضح است که مجموع قرآن و منابع دیگر "محتویات اسلام" را تشکیل می‌دهد که هیچ موضوعی از حدود آن خارج نیست. محتویات اسلام وسعت بیشتری از محتویات قرآن دارد زیرا بسیاری مسائل در اسلام به صورت مسائل ثابت شده وجود دارد که در قرآن نیامده است ولی واضح است که محتویات قرآن هر قدر محدود باشد ولی دارای اهمیت است به مراتب بیشتر از محتویات منابع دیگر چون نزد هر مسلمان قرآن عین کلام خداوند است که به پیامبر وحی شده و قاطعیت در سناد و رد در حالی که سنت که وقتی نقل شد "حدیث" می‌شود به بسیاری بحث در اطراف نقل کنندگان (راویان) و کیفیت نقل نیا ز دارد و کمتر به حد قاطعیت در سندی رسد که در قرآن وجود دارد.

ما در تنظیم این کتاب سعی کامل خود را بکار برده‌ایم که محتویات قرآن را به اجمال و اختصار ولی با دقت و امانت نقل کنیم، امید است خوانندگان این توجه را داشته‌باشند که ما به هیچ وجه نخواسته‌ایم آنچه محتوای قرآن است خارج شده و وظیفه شایع یا مفسرانجام دهیم یا استنباط شخصی را به‌کار ببریم. مؤمنان به دین اسلام قرآن را کلام الهی یا کلام خدا می‌دانند. آنرا به دیده ایمان می‌نگرند و عبادت را با حسن توقیر و احترام و پرستش که در خور کلام خدا می‌دانند می‌خوانند ما کمتر دقت در معنی آنها می‌کنند بویژه اگر آشنائی کافی به زبان عربی نداشته‌باشند. معمولاً خواننده در پرتو ایمان و اعتقاد مجذوب‌ترین و آهنگ‌آیات می‌شود

هما نظور که انسان مجذوب نغمات موسیقی می‌گردد بی آنکه معنی خاص به آن‌ها نسبت دهد. فرد مؤمن به صرف خواندن یا شنیدن آیات قرآن برای ما نشاء افزوده می‌شود. قرآن خود می‌گوید سوره‌هایی که نازل شده مؤمنان را مؤمن ترمی کند و شادی می‌بخشد این بخودی خود البته مستجاب با رزقی است مخصوصاً برای کسانی که صرف ایمان و اعتقاد به ما و راء الطبیعه تا شرمه می‌درزندگی آنها داشته‌باشند. اما چنانچه شرحین اعتقاد از فرد تجاوز و به نحوی به دیگران سرایت کند و در اداره امور اجتماع موثر واقع شود در این صورت غوررسی و دقت کامل در مضمون و معنی آیات ضرورت قطعی پیدا می‌کند و صورت وظیفه و تکلیف وجدانی هر فرد مسلمان بخودی می‌گیرد. بطوریکه بسیاری مردمان از اعتقاد دلتی گریزان و جویای حقیقت هستند (ولوبه صرف کنجکاو و وجدانه بدست آوردن معلومات بیشتر) و می‌خواهند بدانند در قرآن از چه مطالبی سخن رفته و در باره هر مطلب درست چه گفته شده است.

حال این جویندگان بخصوص در کشور ما با دو شکل روبرو می‌شوند: اول اینکه اگر به زبان عربی آشنائی کافی نداشته‌باشند مجبور به استفاذه از ترجمه خوانند. ولی ترجمه‌های فارسی قرآن به علت قید پیروی کلمه به کلمه از اصل عربی (با وجود نا برابری زبان‌های فارسی و عربی از لحاظ دستور زبان و شیوه بیان) نوعی هستند که به زحمت می‌توان مفهوم روشنی از آنها بدست آورد. دیگر اینکه مطالب مختلف قرآن یکجا و بطور پی در پی و با رعایت تقدم و تاخر زمان و ترتیب علت و معلول بیان نشده‌اند و بنا بر این جویننده مجبور است برای تحقیق هر موضوع به سراغ قرآن مراجعه کنند و با کمک کشف الایات و کشف اللغات موارد متعدد اشاره به موضوع را پیدا نموده و آنها را

با یکدیگر تلفیق و تطبیق دهد. آنچه در این کتاب آمده، صرفاً بمنظور کمک به چنین جویندگان تنظیم شده است تا بتوانند با علم (ولو اجمالی) به اینکه قرآن در باره هر موضوع چه گفته است و نه بر پایه مسموعات و تصورات و پیش‌داوریهای ذهنی در آن باب قضاوت کنند.

بررسی منحصربه‌فرد مندرجات قرآن است بی هیچ توجه به منابع دیگری که برای توضیح یا توجیه با تکمیل یا پر کردن خلأ احکام و دستورهای قرآن بتدریج بوجود آمده و مورد استفاذه قرار گرفته است یعنی سنت، احادیث، تفسیر، استنباط، فقه و غیره. اتکال انحصاری به متن قرآن از دو جهت ضروری است: یکی اینکه منابع دیگر صرفاً نظری هستند و احیاناً "امالت و اعتبار آنها مورد تصدیق عموم نیست و دیگر اینکه غالباً اشخاص بین مندرجات قرآن و روایات خارج از آن فرق نمی‌گذارند و احکام و اعتقاداتی را ناشی از قرآن می‌دانند که ما خود از منابع دیگر است. نمونه‌های فراوانی از این کیفیت و آثارنا مطلوب آن می‌توان ذکر کرد. یک نمونه که از مسائلمهم روز است حکم سنگسار کردن زناکاران است که غالباً

تصوری شود در قرآن ذکر شده و حال آنکه نص قرآن هیچ اشاره‌ای به سنگسار ننموده بلکه مجازات زناکار را ضرب تا زینا نه مقرر کرده است و منشاء حکم سنگسار فقط سنت و حدیث است که مسلمانان اعتبار آن را بر اعتبار قرآن نیست. یک نمونه دیگر از موازین که روایات منقول منطبق با روح یا حتی عبارت قرآن نمی‌باشند این است که آیه ۷۸ سوره آل عمران به مؤمنان امر می‌کند که بین ادیان فرق نگذارند و حال آنکه مسلمانان بنا بر پیروی از بعضی احادیث با افراد غیر مسلمان حتی اهل کتاب بطرز رفتار می‌کنند که فلسفه آن آلوده نشدن به نا پاک‌های آنها است از جمله یک پزشک لهستانی که در واسط قرن نوزدهم در خدمت دربار ایران بوده در خاتمه می‌نویسد که سعیدخان وزیر خارجه ایران هر با رکه یک سفیر اروپائی را می‌پذیرفته بعد از ملاقات چشمپوشی را می‌شسته است تا نا پاک‌های او از دیداریک فرد غیر مسلمان را دفع کند. با زیک نمونه دیگر از فرق نگذاشتن عموم بین مندرجات قرآن و روایات مسئله تحریم موسیقی است که مطلقاً متکی به قرآن نمی‌باشد بلکه ناشی از تفسیرنا موجهی است که بعضی در مورد عبارت لهوا الحدیث (آیه ۵ سوره لقمان) یا عبارت قول الزور (آیه ۳۱ سوره حج) قائل شده و همچنین در تفسیر این آیات استناد به چند حدیث مشکوک کرده‌اند ز جمله اینکه "رسول خدا فرمود هر کس صدایش را به آواز بلند کند خدا دو شیطان بر او می‌گمارد که یکی بر یک دوش ویکی بر دوش دیگر او سوار شود و با هایش برسینه و کمرا و بکوبد تا آوازش خاموش شود."

از طرف دیگر برای دقت بیشتر در روح مندرجات قرآن و آگاهی از نشاء نزول آیات و مخصوصاً "برای پی بردن به علل وضع احکام قرآنی جویننده باید قطعاً از اوضاع و احوال زمان ظهور اسلام و چگونگی آداب و رسوم قبایل عرب پیش از ظهور اسلام تا آنجا که مربوط به خصوصیات زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم شبه جزیره عربستان و سرزمین‌های مجاور است و نیز از حوادث برجسته زندگی پیغمبر اطلاع حاصل کند. این آگاهی از آن جهت ضروری است که همه ادیان، فلسفه‌ها، سیاست‌ها، قوانین و افکار بشر را شناسایی و وابسته زمان و مکان باشند و قضاوت صحیح در باره آنها بدون علم به چگونگی محیط و شرایطی که در آن بوجود آمده اند ممکن نیست.

نتیجه‌گیری از اینگونه پژوهش البته بسته به قضاوت جویندگان است و بر حسب اینکه در ذهن آنها پیشداوریها وجود داشته‌باشند یا نه اگر داشته‌باشند تا حدی که ضربه تعدیل آن با شند، متغایوت خواهد بود...

بها : ۱۸ پوند

محل فروش :

KANOUNE KETAB LTD.  
2A Kensington Church Walk,  
London W8 9BL.  
Telephone: 01-937 5087

# فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

## بزرگمهر دانای ایرانی چگونه به وزارت انوشیروان رسید

با آن که هنوز به درستی دانسته نیست که بزرگمهر ( بزرگ + مهر ) حکیم، دانای ایرانی وزیرنا سدار خسرو انوشیروان، وجود واقعی تاریخی دارد، یا افسانه‌ای محض و ساخته داستان سرایان است، با این حال گویا هیچ ایرانی را نتوان یافت که نام او را شنیده و او را به صفات دانایی و حکمت نشاند. اما در محافل دانشمندان هنوز روشن نیست که این شخصیت افسانه‌آمیز کیست و داستان‌های بی‌پایه که بدو نسبت می‌دهند زکجا آمده است. بعضی دانشمندان او را همان بزرگمهر طبیب می‌دانند که کلیله و دمنه را با هوشمندی و حسن تدبیر از زهندستان به ایران آورد. اما به حال در اعتقاد های مردم ایران، حکیمی بزرگمهر نام وجود دارد که در حکمت سرآمد بوده و مدت‌ها وزارت انوشیروان را داشته است.

نام این شخص را، در متن های عربی و فارسی بزرگمهر، بزرجمهر، بوزرجمهر، بوذرجمهر، و حتی ابوذرجمهر می‌نویسند. بی‌آن که وارد بحث طولانی درباره درستی یا نادرستی این صورت‌های گوناگون شویم، گوییم که سه صورت نخستین درست و دو صورت آخرین خطاست و برای ما فارسی‌زبانان نیکوترین وجهی که می‌توان نام این مرد بزرگ را نوشت همان بزرگمهر است.

پدر بزرگمهر "صلا" "بختک" نام داشته است. در آثار فارسی و عربی نام او و پدرش را بزرگمهر بختک یا بزرجمهر بن بختک ( یا صورت‌های درست یا نادرست دیگر، اما همه در همین مایه ) می‌بینیم.

گروهی پیدا شده اند که نام پدر بزرگمهر بختک است، اما این پیدا در درست نیست زیرا در روزگار انوشیروان - که گمان در بزرگمهر پدران عمر می‌زیسته - در ایران زبان پهلوی رسمیت داشته است و در پهلوی یکی از معانی پساوندالف و نون ( ان ) نشان دادن نسبت پدر و فرزندی بوده است. البته این پساوند در زبان پهلوی ما تدوین فارسی امروزی انتقال نیافت و امروزه "صلا" نمی‌توان گفت که هوشنگ پرویزان به معنی هوشنگ پسر پرویز است، اما به همین نام هوشنگ صورت به زبان فارسی در انتقال یافت. معروف ترین این نام‌ها اردشیر بابکان است به معنی اردشیر فرزند بابکان - نمونه‌های دیگر آن = مزدک یا مدادن = مزدک پسر - یا مداد، خسرو قبادان = خسرو پسر قباد بزرگمهر - بختک = بزرگمهر پسر بختک.

چون بنا بر این گفته‌ها برآید ختمنا دگی کام است. پیش از این به گفته‌های ماسا ندرت که نامی پیدا زیم، واگر در باره بختک و بختک نیز بحث مختصری کردیم، از آن روی است که این نام در دوران های متأخر، و حتی در سده‌های نزدیک به روزگار ما، در ساخته شدن افسانه‌های مربوط به بزرگمهر، تیری تمام شده است و ما می‌دانیم در این باب نیز بختک را با ختمنا دگی کام سخن می‌گویند.

بهر بردارای بُد درم ده هزار بدان تا کند در جهان خواستار گزارنده خواب، داناکسی بهردانسی راه جسته بسی که بگزارد این خواب شایه جان نهفته برآرد زیندوستان یکی بدره آگنده او را دهند سیاسی به شاه جهان برهنند بدین ترتیب سواران به سراسر کشور فرستادند. میان ایشان مهتری "آزاد سرو" نام که محل ماء موریست وی شهر مری بود، به مکتب خانه‌ای رسید و در آن جا موبدی را دید که کودکان را گرد خویش درآورد، گاه با شادی و گاه با خشم بدیشان اوستا و زندگی آموزد ( در قدیم تمام مدرسه‌ها در جهان، جنبه دینی داشتند و تنها روحانیان بودند که خواندن و نوشتن و دیگر دانش‌ها را می‌آموختند. حتی دبیران و کارگزاران دستگاه‌ها در آن زمان نیز از میان درس خوانندگان همین گونه مدرسه‌ها برگزیده می‌شدند، و از زنگود فوق العاده روحانیان در کارها دشا می‌شدند و اداراه کشورهای است ). آزاد سرو دید که کودکی بزرگتر از دیگر کودکان در آن جا نشسته و غرق مطالعه است. وی بیا مدو تعبیر خواب شاه را از موبد که آموزگار کودکان بود پرسید:

نویسنده گفت: این نیکار من است زهردانسی زندیار من است ز موبد چو بشنید بوزرجمهر بدودا دگوش و برافروخت چهر به استا دگفت این شکار من است گزاریدن خواب کار من است یکی بانگ برزد بر او مرد است که توفت خویش کردی درست؟ فرستاده گفت ای خردمند مرد مگ دانده، گردان نامگرد غمی شد بوزرجمهر اوستاد: "مگوی آنچه آید ری" بدو گفت یاد نگویم من این، گفت، جز پیشی شاه بدان که گشتاندم پیشی گاه بدادش فرستاده اسب و درم دگر هر چه با یستن از بیست و یکم برفتند هر دو بر ابرو مرو خرمان چو پیر گل اندر تازو بدین ترتیب، در سراسر کشور، تنها کودکی بزرگمهر نام دعوی می‌کنده می‌تواند خواب شاه را تعبیر کند. آزاد سرو با بزرگمهر به سوی پایتخت شاه روی می‌آورد. سفر به مداین طولانی بوده است. روزی دوما فردی پای درختی فرود می‌آید و چیزی می‌خورد و بزرگمهر در پای درختی دراز می‌کشد. مردی که همراه وی بود هنوز به خواب نرفته بود که:

نگه کرد و بیست و یک می‌آوردید که آن چادر از زخفته اندر کشید ز سر تا به پایش ببویید سخت شد از پیش او، نرم، سوی درخت جوما رسیده بر سردار ( = درخت ) شد سر کودک از خواب بیدار شد جوان ازدها ( = ما بزرگ ) شورش او شنید بر آن شاخ باریک شدن پدیدد مصاحب بزرگمهر از دیدن این واقعه حیرت می‌کند و با خود می‌اندیشد که بی‌شک تا پدید آید الهی را بزرگمهر است و چون به شهر آمدند مردنزد کسی را بیاخت و آنچه رفته بود حکایت کرد. انوشیروان بزرگمهر را پیش خوا ندو خواب خود را بدو با زلفت بزرگمهر: چنین داد پاش که در خان ( = خانه ) تو میان بتان شبتان تو یکی مردی تر است کز خویشتن به آرایش جامه کردست زن مردی جوان با لباس زنا نه در میان زنان تو در حرم تو است، برای یافتن وی: زیگانه پردخته ( = خالی کن جایگاه برای این رای ما تا نیا بندد راه بفرمای تا پیش تو بگذرد پی خویشتن بر زمین بسپردن بپرسیم زان تا سزای دلیر که چون اندر آمدن مدیالین شیر؟ انوشیروان چنین دستوری می‌دهد. زنان در خلوت حرم خانه یکا یک از پیش پا دشا ه گذشتند و شاه مردی در میان ایشان ندید و برآشت. اما گزارنده \* گفت این نه اندر خوراست غلامی ( = پسر ) میان زنان اندر است وقتی بزرگمهر در درستی نظر خویش پا فتاری کرد، شاه بفرمود تا دقیق ترجمت کنند و غلامی پدید آمدند میان بیلالی سرو و به هر کیان تنش لرزان به کردار بید دل از جان شیرین شده نامید سپس معلوم شد که دختر فرمان روای چاچ این غلام را به حرم خانه آورده است، زیرا در خانه پدر بدو مهر آورده بود و او را از خویشتن جدا نمی‌کرد و سرانجام منیزی را با جا ه زنان به حرم کسری آورده بود. انوشیروان از زن پرسید که این مرد کیست؟ گفت: برادر بزرگ من و با من از یک مادراست و آن روی جا مه زنان پوشیده که از شرم به روی

تو نمی توانست نگر نیست. خسرو بفرمود تا در خیم آن دورا بگشت. آن گاه بزرگمهر را بناوخت و دستور داد تا نامش را در دیوان بنویسند.

فرزنده شد نام بوزرجمهر بدوروی بنمود گردان سپهر همی روز روزش فزون بود بخت بدو شاه دمان بدل شاه سخت دل شاه کسری پسر زدا بدود بدانش دل و مغزش آبا بدود

\*\*\*

در شاهنامه استا دطوس داستان‌ها و خاصه اندر زها می‌فروان و بسیار طولانی از بزرگمهر آمده است. در زبان پهلوی نیز سراسر له کوچکی به نام اندر زنا مه بزرگمهر با زمانه است. از میان این گونه‌ها داستان‌ها قصه دگرگون شدن کاروی، و دریا فتن وزیردا نا که روزگار بدو پیش کرده است ( و پس از آن مورد خشم کسری قرار گرفت و زندانی و سپس نا بینا شد ) و نیز داستان جواب گفتن معما نی که قیصر روم فرستاده و خواسته بود تا دانایان ایران فقط با دیدن صندوقچه‌ای در بسته و قفل شده بگویند درون آن چیست، و موبدان از آنجا مدان این کار فرما نندند و بزرگمهر با دیدن آن نا بینا این معما را گشود، بسیار زیبا و خواندنی و جالب توجه است و شاید در فرصتی دیگر بدان پرداختیم. اما اکنون می‌گوییم تا گوشه‌ای از شهرت یافتن داستان خواب کسری و تعبیر بزرگمهر، و تحول یافتن و وارد شدن آن را در داستان‌های دیگر، روشن کنیم.

پیش از این معروض افتاد که نام پدر بزرگمهر بختک است و از این روی او را بزرگمهر بختک می‌گویند. در داستان‌های متأخر بعدی، بزرگمهر در دستگاه انوشیروان به صورت وزیردا نا، نیک اندیش و خوش نیت درآمده و در برابر او "بختک" وزیر است خاشن، بدکار و بدسیرت که از کودکی با انوشیروان بزرگ شده و از این روی همواره او را به راه خطای بردو به کارهای نادرست وامی‌دارد.

\*\*\*

یکی از قصه‌های عوامانه که در آنجا در ایران، بلکه در تمام ممالک اسلامی شهرتی بسزا دارد، و در هر جای - از چین و اندونزی گرفته تا جبل الطارق و شمال آفریقا - رنگ محیط اجتماعی را به خود گرفته است قصه حمزه است. این حمزه را در کشورهای عربی حمزه بن ابراهیم می‌خوانند. اما در دیگر کشورهای همان حمزه بن عبدالملک عموی رسول اکرم (ص) و ملقب به سیدالشهدا است در هر صورت صحنه‌های این داستان در دوران پادشاهی قباد شهریاری در انوشیروان و خود او، و گاه در دربار کسری انوشیروان می‌گذرد. بدیهی است که بزرگمهر وزیر نیک خواه بشتیبان و مددکار حمزه و بختک وزیر بدکردار و ونیه کار دشمن اوست. از قصه حمزه تحریه‌های گوناگون به فارسی و تمام زبان‌های کشورهای اسلامی در دست است. تحریه‌های قدیم‌تر به اندازه کلیله و دمنه و جدیدترین تحریه‌ها که در زبان فارسی وجود دارد و چند بار هم چاپ شده است "رموز حمزه" نام دارد و در چند در حدود یک بار برونی شاهنامه فردوسی است و بدیهی است که این حجم اضافی را حوادث فرعی و شاخه‌های گوناگون به کتاب افزوده است و می‌دانیم که قرن‌ها در سراسر ممالک اسلامی این کتاب مهم ترین وسیله سرگرمی مردم بود، گویا این که در ایران هرگز نتوانست شهرتی همپا به شاهنامه پیدا کند.

در هر صورت، در این کتاب به صحنه خواب انوشیروان و تعبیر کردن بزرگمهر، البته با طول و تفصیل بسیار و حوادث فرعی فراوان برمی‌خوریم. در این کتاب بختک نا موزیر دشمن روی انوشیروان شده است، اما برای پدر بزرگمهر نیز با دیدن تراشید. معلوم نیست به چه سورتی، در تحریه‌های قدیمی قصه حمزه، نام بختک‌ان پدر بزرگمهر به "بخت جمال" بدل شده است. در تحریه‌های آخرین، یعنی رموز حمزه، این نام به "بخت" بدل شده و جمال را نیز جمال خوانده‌اند و آن را شغل بخت دانسته‌اند و چون حمالی از پیشه‌های بی‌است و معمولاً مردی به نبوغ بزرگمهر ز پدیری بی فرهنگ پدید نمی‌آید، گفته اند که بخت جمال فرزند جاماسب حکیم بود و جاماسب کتابی از خود بر جا گذاشته بود که از آینده و گذشته خبر می‌داد و چون فرزند خود او ز دانش نصیبی نداشت، این کتاب به بزرگمهر رسید و دانش جاماسب را به او رت برد. یک تحریه قدیمی قصه حمزه که داستان بزرگمهر را نقل می‌کند از سوی دانشگاه تهران منتشر شده است. این نسخه در ماوراءالنهر و در شرقی ترین نواحی ایران تهیه شده است و زبان آن اندکی با فارسی رایج امروزی تفاوت دارد. در مجال دیگری، مختصراً این روایت را ضمن حفظ انشاء آن به نظرخواهیم رساند.

\*\*\*

یکی از قصه‌های عوامانه که در آنجا در ایران، بلکه در تمام ممالک اسلامی شهرتی بسزا دارد، و در هر جای - از چین و اندونزی گرفته تا جبل الطارق و شمال آفریقا - رنگ محیط اجتماعی را به خود گرفته است قصه حمزه است. این حمزه را در کشورهای عربی حمزه بن ابراهیم می‌خوانند. اما در دیگر کشورهای همان حمزه بن عبدالملک عموی رسول اکرم (ص) و ملقب به سیدالشهدا است در هر صورت صحنه‌های این داستان در دوران پادشاهی قباد شهریاری در انوشیروان و خود او، و گاه در دربار کسری انوشیروان می‌گذرد. بدیهی است که بزرگمهر وزیر نیک خواه بشتیبان و مددکار حمزه و بختک وزیر بدکردار و ونیه کار دشمن اوست. از قصه حمزه تحریه‌های گوناگون به فارسی و تمام زبان‌های کشورهای اسلامی در دست است. تحریه‌های قدیم‌تر به اندازه کلیله و دمنه و جدیدترین تحریه‌ها که در زبان فارسی وجود دارد و چند بار هم چاپ شده است "رموز حمزه" نام دارد و در چند در حدود یک بار برونی شاهنامه فردوسی است و بدیهی است که این حجم اضافی را حوادث فرعی و شاخه‌های گوناگون به کتاب افزوده است و می‌دانیم که قرن‌ها در سراسر ممالک اسلامی این کتاب مهم ترین وسیله سرگرمی مردم بود، گویا این که در ایران هرگز نتوانست شهرتی همپا به شاهنامه پیدا کند.

در هر صورت، در این کتاب به صحنه خواب انوشیروان و تعبیر کردن بزرگمهر، البته با طول و تفصیل بسیار و حوادث فرعی فراوان برمی‌خوریم. در این کتاب بختک نا موزیر دشمن روی انوشیروان شده است، اما برای پدر بزرگمهر نیز با دیدن تراشید. معلوم نیست به چه سورتی، در تحریه‌های قدیمی قصه حمزه، نام بختک‌ان پدر بزرگمهر به "بخت جمال" بدل شده است. در تحریه‌های آخرین، یعنی رموز حمزه، این نام به "بخت" بدل شده و جمال را نیز جمال خوانده‌اند و آن را شغل بخت دانسته‌اند و چون حمالی از پیشه‌های بی‌است و معمولاً مردی به نبوغ بزرگمهر ز پدیری بی فرهنگ پدید نمی‌آید، گفته اند که بخت جمال فرزند جاماسب حکیم بود و جاماسب کتابی از خود بر جا گذاشته بود که از آینده و گذشته خبر می‌داد و چون فرزند خود او ز دانش نصیبی نداشت، این کتاب به بزرگمهر رسید و دانش جاماسب را به او رت برد. یک تحریه قدیمی قصه حمزه که داستان بزرگمهر را نقل می‌کند از سوی دانشگاه تهران منتشر شده است. این نسخه در ماوراءالنهر و در شرقی ترین نواحی ایران تهیه شده است و زبان آن اندکی با فارسی رایج امروزی تفاوت دارد. در مجال دیگری، مختصراً این روایت را ضمن حفظ انشاء آن به نظرخواهیم رساند.

\*\*\*

یکی از قصه‌های عوامانه که در آنجا در ایران، بلکه در تمام ممالک اسلامی شهرتی بسزا دارد، و در هر جای - از چین و اندونزی گرفته تا جبل الطارق و شمال آفریقا - رنگ محیط اجتماعی را به خود گرفته است قصه حمزه است. این حمزه را در کشورهای عربی حمزه بن ابراهیم می‌خوانند. اما در دیگر کشورهای همان حمزه بن عبدالملک عموی رسول اکرم (ص) و ملقب به سیدالشهدا است در هر صورت صحنه‌های این داستان در دوران پادشاهی قباد شهریاری در انوشیروان و خود او، و گاه در دربار کسری انوشیروان می‌گذرد. بدیهی است که بزرگمهر وزیر نیک خواه بشتیبان و مددکار حمزه و بختک وزیر بدکردار و ونیه کار دشمن اوست. از قصه حمزه تحریه‌های گوناگون به فارسی و تمام زبان‌های کشورهای اسلامی در دست است. تحریه‌های قدیم‌تر به اندازه کلیله و دمنه و جدیدترین تحریه‌ها که در زبان فارسی وجود دارد و چند بار هم چاپ شده است "رموز حمزه" نام دارد و در چند در حدود یک بار برونی شاهنامه فردوسی است و بدیهی است که این حجم اضافی را حوادث فرعی و شاخه‌های گوناگون به کتاب افزوده است و می‌دانیم که قرن‌ها در سراسر ممالک اسلامی این کتاب مهم ترین وسیله سرگرمی مردم بود، گویا این که در ایران هرگز نتوانست شهرتی همپا به شاهنامه پیدا کند.

در هر صورت، در این کتاب به صحنه خواب انوشیروان و تعبیر کردن بزرگمهر، البته با طول و تفصیل بسیار و حوادث فرعی فراوان برمی‌خوریم. در این کتاب بختک نا موزیر دشمن روی انوشیروان شده است، اما برای پدر بزرگمهر نیز با دیدن تراشید. معلوم نیست به چه سورتی، در تحریه‌های قدیمی قصه حمزه، نام بختک‌ان پدر بزرگمهر به "بخت جمال" بدل شده است. در تحریه‌های آخرین، یعنی رموز حمزه، این نام به "بخت" بدل شده و جمال را نیز جمال خوانده‌اند و آن را شغل بخت دانسته‌اند و چون حمالی از پیشه‌های بی‌است و معمولاً مردی به نبوغ بزرگمهر ز پدیری بی فرهنگ پدید نمی‌آید، گفته اند که بخت جمال فرزند جاماسب حکیم بود و جاماسب کتابی از خود بر جا گذاشته بود که از آینده و گذشته خبر می‌داد و چون فرزند خود او ز دانش نصیبی نداشت، این کتاب به بزرگمهر رسید و دانش جاماسب را به او رت برد. یک تحریه قدیمی قصه حمزه که داستان بزرگمهر را نقل می‌کند از سوی دانشگاه تهران منتشر شده است. این نسخه در ماوراءالنهر و در شرقی ترین نواحی ایران تهیه شده است و زبان آن اندکی با فارسی رایج امروزی تفاوت دارد. در مجال دیگری، مختصراً این روایت را ضمن حفظ انشاء آن به نظرخواهیم رساند.

یکی از عنا صرمیم داستان سراسی حماسی، دست کسم در حماسه‌های ایرانی، دیدن خواب‌های است که در آن‌ها نشانه‌های از حوادثی که در حال وقوع است، یا در آینده واقع می‌شود، می‌توان دید. نمونه‌ای این گونه خواب‌ها در شاهنامه بسیار است و ای گاش جوینده‌ای تمام آن‌ها را با نتایجی که از آن‌ها گرفته شده است یک جا در گفتاری گردآوری کند.

ساده‌ترین، و قدیم‌ترین روایت ترجمه احوال بزرگمهر را - مانند بسیاری مسائل دیگر - در شاهنامه می‌توان یافت: این که بزرگمهر که بود، از کجا آمد و کجا رفته چگونه در دستگاه خسرو انوشیروان بالا گرفت. حکیم طوس در آغاز داستان وی به کوتاهی از خواب سخن می‌گوید و آن را، خاصه آن که "شاه جهان" دیده‌ها شایسته‌ای از پیغمبری می‌داند، آن گاه از خوابی که انوشیروان دیده‌ها است سخن ساز می‌کند:

نگر خواب را ببینده نشمیری یکی بهره‌دانی ز پیغمبری بویژه که شاه جهان بیندش روان درخشنده بگزیندش روان‌های روشن ببیند خواب همه‌بودنی‌ها چو آتش بس آتشی خفته بدشاه نوشین روان خردمند و بیدار رود دولت جوان چنان دید در خواب کز پیشی تخت بی‌زستی یکی خسروانی درخت شهنشاه رادل بیا راستی می‌ورود و راه مشگران خواستی بر او بر آن گاه آرام و ناز نشستی یکی تیزدندان گزار جویندش، می‌خوردن آراستی وزان جام نوشین روان شاه‌ها با مدادان که از خواب برخاست، موبدان و وزیران را به درگاه‌ها خواست. خواب خود را با ایشان در میان گذاشت و تعبیر آن را بخواست. اما خواب گزاران از تعبیر خواب با عجز آمدند و پادشاه را از تعبیر خواب که بسیار مایل به دانستن تعبیر خواب خویش بود، چاره‌ای گزید:

فرستاد بر هر سویی مهتری که تا با ز جوید ز هر کشوری یکی بدره‌ها هر یکی یا رکورد بپرگشتن امید بسیار رکورد

\*\*\* پیسه : نقش و نگار بسته، زینت شده، سیاه و سفید به هم آمیخته، ابلق، دورنگ ( فرهنگ معین )  
 \*\*\* گزارنده، در این جا مراد گزارنده خواب، یعنی تعبیر کننده آن - بزرگمهر - است.





دوشنبه ۲۶ مرداد

خامنه‌ای با ردیه تهدید کرد که عراق به کشتی‌های ایران حمله کند جمهوری اسلامی نیز کشتی‌های متعلق به متحدان عراق را زیر حمله قرار داد که با شند مورد حمله قرار گرفتند.

عراق اعلام کرده‌ها بیما‌های آن کشور امروز تا سیات نفتی اهو از یک‌واهو از دو وکا رخا نه‌های قندد زفول وشوشتر را بمباران کردند.

به‌گزارش را دیوتهران، پلیس عربستان سعودی، یکشنبه گذشته مقرزاتهران جمهوری اسلامی را محاصره کرد و زکروبی سرپرست حجاب‌ها را و وی خواست هرچه زودتر خاک عربستان را ترک گویند.

به‌گفته جمهوری اسلامی، کنسولگری جمهوری اسلامی درجده زرویکشنبه در محاصره پلیس عربستان است.

وزارت خارجه عربستان اعلام کرد "مساعدا لقصدی" را یزن سفارت عربستان سعودی در تهران که در پی حمله حزب الهی‌ها به سفارتخانه عربستان در تهران مجروح شده بود، بر اثر شریعت جراحات وارده در بیمارستان در تهران درگذشت.

به‌گزارش را دیوتهران، محاکمه مهدی‌ها شمی سرپرست سابق دفتر کمک بیسه نهفت‌های آزادی بخش اسلامی به‌پایان رسید و مفسدفی الارض شناخته شد.

چا رلزگلاس، روزنامه‌نگار آمریکا، پس از سه ماهه سا رت در لبنان از امروز آزاد شده دمشق منتقل گردید.

سه‌شنبه ۲۷ مرداد

به‌گزارش را دیوتهران، محاکمه مهدی‌ها شمی سرپرست سابق دفتر کمک بیسه نهفت‌های آزادی بخش اسلامی به‌پایان رسید و مفسدفی الارض شناخته شد.

چا رلزگلاس، روزنامه‌نگار آمریکا، پس از سه ماهه سا رت در لبنان از امروز آزاد شده دمشق منتقل گردید.

به‌گزارش را دیوتهران، محاکمه مهدی‌ها شمی سرپرست سابق دفتر کمک بیسه نهفت‌های آزادی بخش اسلامی به‌پایان رسید و مفسدفی الارض شناخته شد.

چا رلزگلاس، روزنامه‌نگار آمریکا، پس از سه ماهه سا رت در لبنان از امروز آزاد شده دمشق منتقل گردید.

چهارشنبه ۲۸ مرداد

ها شمی رفسنجان در مصاحبه‌ای بشبه شبکه تلویزیونی ای.بی.سی آمریکا اعلام کرد چنانچه دولت آمریکا به اسرائیل و کویت فشار روا رداورد که شیعیان زندانی در این دو کشور آزاد شوند، وی آمده است خدا کثرت تلاش خود را برای آزادی گروه‌های غربی بکار برد، دولت آمریکا این پیشنهاد را رد کرد.

به‌گزارش را دیوتهران، هواپیما‌های جمهوری اسلامی به تلافی حمله‌های عراق نیروگاه برق دربندی‌خان و تاسیسات صنعتی هلفا نیه عراق را بمباران کردند.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه پیرونا، عده‌ای از نمایندگان که از دولت آمریکا خواسته بودند به‌کسانی که با رژیم خمینی مبارزه میکنند، مخصوصا "مجا هدیین خلق، توجه بیشتری معطوف دارد، فیلسوف و کلماتی سخن‌گویی وزارت خارجه آمریکا اعلام داشت که وزیر خارجه آمریکا با سخ‌مقتضی

به آنها خواهد داد. وی افزود: محکوم کردن جنایات خمینی از سوی دولت آمریکا، به معنای تأیید ترور و خشونت از طرف گروه‌های مخالف وی نیست. از نظر واشنگتن، مجاهدین در ترور عده‌ای از آمریکا ثیان در دوران شاه مورد سوءظن هستند.

سخن‌گویی کاخ سفید اعلام کرد که آمریکا اطلاعاتی در دست دارد که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در ربودن و آزاد کردن چا رلزگلاس دست داشته است.

پنجشنبه ۲۹ مرداد

هفت کشور عضو اتحادیه اروپای غربی در یک گردهمایی در لاهه اعلام کردند که تا مین منافع حیاتی اروپا ایجاب میکند که کشتی‌های دریایی در خلیج فارس از آزادی دائمی برخوردار باشد. اتحادیه مذکور همچنین پشتیبانی خود را از قطعنامه آتش‌بس شورای امنیت اعلام کرد.

جمعه ۳۰ مرداد

عراق اعلام کرد که هواپیما‌های آن کشور با مداخله نیروهای رخنه‌های آلبومینوم سازی اراک و قندد زفول وشوشتر را بمباران کردند.

وزیر خارجه ایالت‌ها، قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را مورد پشتیبانی قرار داد و اعلام کرد ایالت‌ها تصمیم گرفته است به‌بهای فداکاری فوق‌العاده‌ای از فروش اسلحه به جمهوری اسلامی عراق خودداری کند.

شنبه ۳۱ مرداد

به‌گزارش را دیوتهران، به تلافی حملات هوایی عراق علیه واحدهای مسکونی و صنعتی ایران، هواپیما‌های جمهوری اسلامی مجتمع‌های نظامی و صنعتی دهوک، دربندی‌خان و العماره عراق را بمباران کردند.

عراق اعلام کرد ۴ فروند هواپیما آن کشور مجتمع پتروشیمی بندر شاهپور را بمباران کردند.

اسلامی با تاسیسات پیمان‌خبر اعلام کرد که در حمله هواپیما‌های عراقی تعداد زیادی از کارگران این مجتمع کشته یا زخمی شدند.

نیویورک تا میزبانه نقل از دبیرمات‌های غربی در منطقه نفوذ جمهوری اسلامی از قطع حملات عراقی به نفت‌کش‌ها در خلیج فارس استفاده کرده‌ها در تان نفت خود را افزایش داده است.

یکشنبه یکم شهریور

عراق اعلام کرد که هواپیما‌های آن کشور با مداخله نیروهای رخنه‌های پتروشیمی بندر شاهپور را بمباران کردند و یک پایگاه موشک‌های زمین به‌هوا را جمهوری اسلامی را منهدم کردند.

محمد لاریجانی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با تلویزیون ان.بی.سی اعلام کرد که جمهوری اسلامی قطعنامه آتش‌بس شورای امنیت را رد میکند اما با هر کوشش برای ایجاد صلح در منطقه موافق است.

دوشنبه ۲ شهریور

سفیر عراق در واشنگتن اعلام کرد چنانچه کوشش‌های سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ جمهوری اسلامی عراق به طول انجامد، عراق حق از سرگیری حملات خود علیه نفتکش‌های که نفت جمهوری اسلامی را حمل میکنند را محفوظ نگاه میدارد.

محمد جواد لاریجانی، در یک مصاحبه مطبوعاتی با لحنی ملایم‌تر از پیش اعلام کرد که رژیم تهران برای همکاری با هر نوع تلاشی به منظور پایان دادن به جنگ آماده است. وی درباره طرح آتش‌بس شورای امنیت گفت: با این قطعنامه میتوان چیزی بخت به شرط آن که شپزقا بلسی داشته باشیم.

به‌نوشته نیویورک تا میزبانه اعلام کرد چنانچه حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تخفیف حملات عراق، در آئین‌مدفنی جمهوری اسلامی روزانه ۳ تا ۸ میلیون دلار افزایش یافته است و جمهوری اسلامی بسیاری از نفتکش‌های از کار افتاده را مجدداً وارد عمل کرده است. روزنامه دی ولت چاپ آلمان، این اضا فهدرآمد را روزی ۲۰ میلیون دلار نوشت.

دولت انگلستان با نصب پرچم خود بر روی کشتی‌های کویتی موافقت کرد.

سه‌شنبه ۳ شهریور

محمد جواد لاریجانی معاون وزارت خارجه جمهوری اسلامی که برای گفتگو دربار به قطعنامه آتش‌بس شورای امنیت در نیویورک بسر میبرد در مصاحبه‌ای بشبه شبکه تلویزیونی ای.بی.سی برای نخستین بار فاش کرد که جمهوری اسلامی تا بحال موفق شده است آزادی دو گروگان

امریکائی و فرانسوی را بدست آورد و آمده است با ردیگری برای آزادی سایر گروگان‌ها می‌انجی‌گری کند.

منابع رسمی دولت ترکیه اعلام کردند که ۹۴ پاسبان مسلح جمهوری اسلامی ظرف دو روز گذشته در ناحیه مرزی بین ایران

و ترکیه دستگیر شدند. به‌نوشته روزنامه ملیت این عده قصد داشتند به منظور خرابکاری در خط لوله نفتی عراق، از طریق خاک ترکیه وارد عراق شوند.

وزیر کشور عربستان سعودی درجده اعلام کرد عربستان سعودی خواهان جنگ با جمهوری اسلامی نیست، اما با کامل قدرت از سرزمین خود و ماکن مقدس دفاع خواهد کرد. وی اعلام کرد عربستان سعودی از این پس از تجمع زائران ایرانی در مکه حتی اگر صد نفر باشد، جلوگیری خواهد کرد.

اجلاس فوق‌العاده وزیران امور خارجه کشورهای عضو جامعه عرب که سه دعوت وزیر خارجه تونس در تونس تشکیل شده بود به جمهوری اسلامی تا ۲۹ شهریور فرصت داد که قطعنامه آتش‌بس شورای امنیت را بپذیرد و گرنه کشورهای عرب در روابط خود با رژیم تهران تجدیدنظر خواهند کرد.

چهارشنبه ۴ شهریور

به‌نوشته نشریه دفاعی جینز چاپ انگلستان عراق با خرید ۱۴۴ میلیون پوند فرانک تجهیزات نظامی در سال‌های ۸۱ تا ۸۵ بعنوان بزرگترین خریدار تجهیزات جنگی در جهان شناخته شده است.

وزیر کشور عربستان سعودی دیروز طی سخنانی مقامات حکومت اسلامی را بیک باند تروریستی نامید و فاش ساخت که جمهوری اسلامی چندی پیش قصد داشت شرق عربستان را مورد حمله قرار دهد، ولی یکی از هواپیما‌های آن هدف قرار گرفت و سرنوشتش مشخص نیست.

پنجشنبه ۵ شهریور

وزیر کشور جمهوری اسلامی اعلام کرد که انتخابات مجلس شورای اسلامی در مهرماه آینده انجام خواهد شد و از نامزدهای انتخاب‌بانی خواست تا شهریور ماه ثبت‌نام کنند. این سومین انتخابات مجلس پس از روی کار آمدن رژیم اسلامی در ایران است.

دولت ترکیه اعلام کرد ۹۵ تن از ایرانیان مسلح را که سه روز پیش با زرادشت کرده‌ها به جمهوری اسلامی با زبیس داده است و از رژیم اسلامی خواسته است از این به بعد از تکرار چنین حوادثی جلوگیری کند.

جمعه ۶ شهریور

خامنه‌ای در مصاحبه جمعه گفت: شوروی که در آغاز زحمت تاسیس سازمان آمریکا مبنی بر سازمان ندهی حمله‌های همه‌جانبه علیه ایران در خلیج فارس قرار گرفته بود زود متوجه اشتباه خود شد و اینک سیاست‌ها قائلانه‌ای در خلیج فارس در پیش گرفته است. خامنه‌ای همچنین گفت: آمریکا بطور رسمی زحمت‌ها را خاوسته است تا زمانی که تا وگان آمریکا در خلیج فارس حضور دارند به کشتی‌های جمهوری اسلامی حمله نکنند.

نزار حمدون سفیر عراق در واشنگتن با ردیگری که کرد که عراقی برای از سرگیری حمله‌های خود در خلیج فارس آماده میشود.

دولت ایالت‌ها تصمیم گرفت چنانچه جمهوری اسلامی به قطعنامه آتش‌بس پاسخ منفی دهد، کشتی‌های مین جمع کن به خلیج فارس بفرستد. سخنگوی دولت هلند نیز اعلام کرد هلند آماده است تا هماهنگ با دیگر کشورهای اروپایی برای تاسیسات مین در خلیج فارس کشتی‌های مین جمع کن به این منطقه بفرستد.

ژنرال سیگوردیکی از چهره‌های اصلی "افتخا حایران" گفت: فاش کرد که مقامات تهران با بارها به‌ویژه پیشنهاد کرده بودند در مقابل دریافت اسلحه، اطلاعات لازم درباره مخفیگاه گروگان‌ها را در اختیار آمریکا قرار دهند تا آمریکا با یک حمله گروگان‌ها را آزاد کند. به‌گفته وی آخرین بار این پیشنهاد در پی شیز گذشته توسط فرستادگان هاشمی رفسنجان مطرح شد ولی سرهنگ نورث آن را نپذیرفت.

میرحسین موسوی در نماز جمعه اعلام کرد حکومت اسلامی مصمم است اسلحه‌های امکانات خود را در اختیار رنجگ قرار دهد و با تمام ظرفیت جنگ را ادامه دهد.

شنبه ۷ شهریور

عراق اعلام کرده‌ها بیما‌های آن کشور در ساعت ۱۱/۱۰ صبح امروز جزایر فارسی، لاوان و ورخان را بمباران کردند. نفت‌کش ۱۲۰ هزار تنی الویند متعلق به جمهوری اسلامی نیز در نزدیکی جزیره سیری مورد حمله قرار گرفت و به آتش کشیده شد.

صدام حسین رئیس جمهوری عراق طی پیامی اعلام کرد تا زمانی که جمهوری اسلامی پایان یافتن جنگ و برقراری صلح را نپذیرد عراق به نهاد موسایل امکانات صادرات نفت جمهوری اسلامی ادامه خواهد داد.

رئیس جمهوری عراق افزود: عراق اجرای تنها بخشی از قطعنامه آتش‌بس را نمی‌پذیرد بلکه این قطعنامه را فقط در کلیت آن می‌پذیرد.

ها شمی رفسنجان در مصاحبه‌ای بشبه روزنامه "تهران تا میزبانه" اعلام کرد چنانچه اروپا بظ جمهوری اسلامی و آمریکا بهبودیاد بسیار از چیزها عرض خواهد شد. وی افزود آمریکا توسط دو کشور از دوستانش در منطقه به ما پیام داده است که ما پیل است روابط خود را با جمهوری اسلامی برقرار سازد. رفسنجان گفت حتی با وجود سقوط حکومت عراق جنگ ممکن است ادامه یابد زیرا ریشه‌های جنگ درجای دیگر است. وی روابط جمهوری اسلامی با شوروی را دارای آینده درخشانی توصیف کرد.

نخست وزیر ایران اعلام کرد اعزام مین جمع کن‌های ژاپنی به خلیج فارس مطابق قانون اساسی نیست و ژاپن میتواند در مین جمع کن‌های خود را به خلیج فارس بفرستد.

یکشنبه ۸ شهریور

عراق اعلام کرد نیروگاه‌های برق تبریز و همدان و ایستگاه‌ها مخابرات

ما هو را ای اس‌آباد همدان و دولت‌مجلسه خانه نفت در منطقه گوره را بمباران کرده است. ایستگاه اس‌آباد امروز دوباره بمباران شد. عراق همچنین گزارش داد که در ساعات ۲۳ و ۱۹ امروز هدف بزرگ دریایی را مورد حمله قرار داده است. جمهوری اسلامی حمله به تاسیسات کازرگی و صنعتی در تبریز و همدان و بمباران تاسیسات نفتی گچساران را تاسیس کرد.

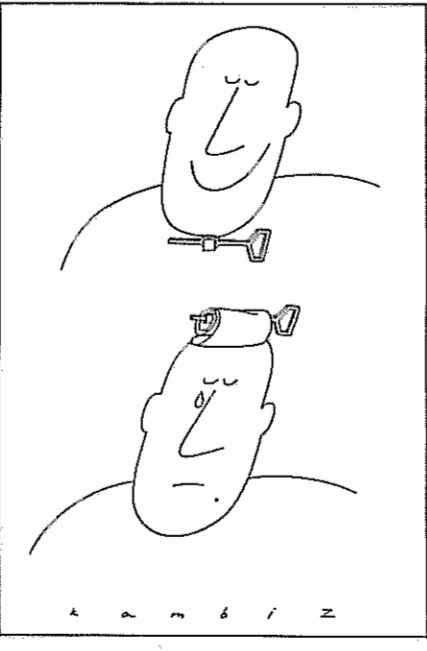
محسن رفیق دوست وزیر سابق هواپیمایی ایران تهدید کرد در صورت از سر گرفته شدن بمباران شهرهای ایران توسط عراق، جمهوری اسلامی با موشک بغداد را نابود خواهد کرد. رفیق دوست گفت توان موشکی جمهوری اسلامی اکنون از همیشه بیشتر است.

وزیر خارجه انگلستان حملات اخیر عراق علیه تاسیسات نفتی ایران را که به گفته وی ممکن است به افزایش خطرناک بحران در خلیج فارس منجر شود محکوم کرد.

به‌گزارش‌های رسیده از مونیخ، یک جوان پناهنده ایرانی به نام "جواد" که در یک فروشگاه بزرگ به آنها مسرقت خواهد کرد، از سوی ما موران فروشگاه مورد ضرب و جرح قرار گرفته و مجروح شده بود. شریعت ضربات وارد شده درگذشت. مطبوعات آلمان این حادثه را به تفصیل منتشر کرده اند و خواستار تعقیب ضاربین شده اند.

دوشنبه ۹ شهریور

با مداخله نیروهای کشتی بازرگان ۲۰ هزار تنی کویتی در آب‌های دومی مورد حمله یک قایق سریع السیر جمهوری اسلامی قرار گرفت که از درون آن دو راکت ضدتانک بسوی کشتی کویتی پرتاب شد. به کشتی مذکور آسیب‌هایی وارد گردید اما کسی صدمه‌ای ندید. بدنبال از سرگیری حملات عراق در خلیج فارس این نخستین حمله جمهوری اسلامی به کشتی‌ها در خلیج فارس است.



# دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی

در شماره گذشته قسمت‌هایی از مذاکرات مصدق در جلسه بیست و یکم را از کتاب سرهنگ بزرگمهر نقل کردیم. اکنون به نقل دنباله مذاکرات وی در جلسه بعدی می‌پردازیم.

## از جلسه بیست و دوم

دکتر مصدق راجع به اظهاراتی که آقایان دکتر شایگان و مهندس رضوی نما ییندگان سابق مجلس شورای ملی و آقای دکتر صدیقی وزیر کشور دولت اینجا نب در موقع با زوجهی نموده اند و سر تیپ آن زوجه زوی پرونده نقل نموده عرض می‌کنم آنچه اظهار نموده اند بسیار حقیقت است. من تا کنون از آنها و آقایان دیگر همکار خود خنی برخلاف واقع نشنیده‌ام موبکر آن را در دادگاه قبلی گفته‌ام. اگر آقایان را از جریان کار دولت بی خبر گذارده‌ام رویه اینجانب برای این بوده که تا کاری بسسه مرحله تصمیم دزنی آمدیه کسی اظهار نکنم ولی هیچ وقت کاری بدون تصویب هیئت دولت انجام ندهم. همیشه هموطنان عزیز را به وسیله گزارش‌هایی به مجلسین یا نطق‌هایی در آدیوبی اطلاع نگذاشته‌ام و از جریان امور مطلع نموده‌ام بدینوسیله است که این رویه مربوط به کارهای مهم مملکتی است و من با مثال عرض می‌کنم اگر کسی خواستم قبل از تصمیم قطعی خود راجع به آن لاله کنسولگریهای انگلیس یا اشخاص شورگنم هرگز به این کار موفق نمی‌شدم. من شخصا تصمیم گرفتم و در هیئت وزیران مطرح نمودم و گفتیم در این جلسه نطق یا اشخاص با یک تکلیف این کار معلوم شود پس از مذاکره همگی با اتفاق وجود کنسولگریهای انگلیس را در ایران مخالف صلاح مملکت دانسته‌ام و هیئت دولت تصویب نامسه لاله آن‌ها را امضاء کرده‌اند. قبل از طرح موضوع در هیئت وزیران با آقای کاظمی وزیر امور خارجه مذاکره شده که مخبرین داخلی و خارجی را در وزارت خارجه دعوت کنند و معلوم نمیشد که غرض از دعوت چیست و به محض اینکه تصویب نامسه در هیئت وزیران امضاء شد به سفارت انگلیس ابلاغ و به مخبرین اطلاع داده شود تصویب نامسه امضاء رسید و تا ساعت نه عصر موضوع طی نامهای به سفارت انگلیس ابلاغ گردید و به استحضار مخبرین جرایم نیز رسید.

سیم تلفن نخست وزیری که در خانه من بود همیشه پس از تعطیل ساعت عصر به اتاق من وصل می‌گردید و علت این بود که شب‌ها غالباً تلفن‌هایی برای توقیف اشخاص در کلانتری‌ها و احتیاج به دو وظیف که تمام در نتیجه حکومت نظامی بود به من می‌رسید که اگر واسطه درکار بود موجب سوء تفاهم بین تلفن کنندگان و من می‌گردید. تصویب نامسه دولت که ساعت نه عصر به سفارت انگلیس ابلاغ شده بود ساعت ۱۱ تلفن روی میز من صدا کرد و کسی را بر دادم. گفت سفارت انگلیس می‌خواهد با نخست وزیر صحبت کند. گفت خود من نخست وزیرم، و هم گفت من هم می‌مانم و جناب شرفر سفیر کبیرالسا عسه می‌خواهد شب شما ملاقات کند. گفت به واسطه کسالت مزاج در این وقت شب ملاقات مقدور نیست. گفت جناب سفیر می‌فرمایند شما به ملاقات وزارت خارجه ساعت ۹ رسید دستور دهید فردا صبح آن را در آدیوبی بخوانند تا من در این باب با شما مذاکره کنم. گفت به مخبرین جرایم هم این خبر را داده شد و در روزنامه‌ها صبح نیز منتشر خواهد شد. گفت به آنها هم فوراً تلفن کنید تا این کار خود را می‌نمایند. گفتیم کار را بموجب تصویب نامسه هیئت وزیران شده‌ام می‌توانم آن را توقیف کنم. نه از اعتبار ریبندیم. با لایحه قرار شد که سفیر ساعت نه صبح بیا یند. تشریف آوردند و در وسط اتاق ایستادند و گفتند طرف دولت آمد و می‌گویم این تصویب نامسه را لغو کنید. گفت ما لایحه را تقدیر می‌کنیم با هم صحبت کنیم. گفتند چه صحبتی داریم ما شما بکنیم. پس از خواهش و تمنا من روی دستلی نزدیک تختخوابم که به تصویب نامسه و سر تیپ دادستان در آن امیده بودم قرار گرفت و گفتیم جواب همان است که دیشب به وسیله آقای پیمان عرض کرده‌ام. جناب سفیر فرمود راجع به هرمان چه می‌گویند؟ جریان هرمان مخبر رویت بود که به دستور دادسرای تهران توقیف شده بود. گفتیم این کار هم بسا دادگستری است. پس از آن جناب سفیر گفت: من برای چه اینجا آمده‌ام؟ گفتیم البته خودتان باید بهتر بدانید. گفتند خدا حافظ و رفتند. بنا بر این تیمسار دادستان تصدیق می‌کنند اگر برای قوتسولگریها قبل از اینکه در هیئت وزیران مطرح شود اشخاص مذاکره و شور شده بود یکی دور و طول می‌کشید مکان موفقیت در انگلیس قوتسولگریهای انگلیس نبود و این کار را از این جهت گذشت که غیر از خود من کسی از آن اطلاع نداشت و در هیئت وزیران هم می‌توانست تصویب قطعی آنجا نگردد. اما اینکه سر تیپ دادستان اظهار نموده که اینجانب از دو جنبه به هیچ وجه نگران نبوده‌ام که یکی خواهان حقیقی جمهوری دموکراتیک و دیگری خواهان صنعتی، بیساعت واقع است زیرا هیچ یک از این دو جنبه مسلح نبوده‌اند که موجب تشویش و نگرانی دولت بشوند. بزرگترین کارشان نعره کشی بود و قوای انتظامی قادر بودند که آن‌ها را متفرق کنند و در صورت تردد دستگیر و تنبیه نمایند. نعره کشی هم جرم نیست و الا می‌بایست من و یکی دیگر که در این دادگاه نعره می‌کشیم دستگیر و در آدیوبی مجازات کنیم.

نگرانی من فقط از افسران بود که به واسطه کسری بودجه و مقتضیات اداری یا زنده شده و روز ۹ اسفند ۲۸ مرداد

اظهار مخالفت نموده اند و یقین دارم که تیمسار دادستان نخواهد گفت که از جانب چپ بودند که خانه مسرا بمباران کرده‌اند. از جانب چپ بودند که مرا دستگیر و زندانی کرده‌اند. از جانب چپ بودند که بر علیه من و بر خلاف حق و انصاف و قانون مرا متهم کرده و محکوم نموده‌اند. راجع به پیشینها دتیمسار سر تیپ دادستان (آقای دکتر مصدق خطاب به بزرگمهر: آقایان سر تیپ دادستان در این باره چه می‌گویند؟ سرهنگ بزرگمهر: یکی قایلش دادستان است و دیگری شغلش دادستان است) فرمائید این اظهارات تهران به تیمسار رسیده‌اند و این طور اظهار نموده که رونوشت پیشینها در فرماندهی تهران را اینجانب از روی روزنامه مردم نوشته‌ام. بر فرض صحت اگر مدعی است که در رونوشت مذکور تیغ‌ها تیغ شده و یا اینکه چنین پیشینها دی از فرمانداری نظامی نشده و آن را جعل کرده اند لازم بود که در دادگاه گفته شود و لایحه‌اش رونوشتی از مندرجات روزنامه که مربوط به مراسم روزنامه نیست و راجع به چیزی است که از مرکز مربوط تحصیل کرده و منتشر نموده است موجب ایراد نمی‌شود. خصوصاً اینکه پیشینها در مورد هم عملی شده و سرهنگ ۲ فتح الله لیکو می‌گوید که با زنده شده بود برای خدماتی که در روز ۹ اسفند و کودتای ۲۸ مرداد در این دولت نمود دعوت بکار کرده است.

راجع به گزارش سر لشکر مزینتی سابق و میزین امروز سر تیپ دادستان اظهاراتی نمود مبنی بر اینکه به گزارش مزبور در هیئت وزیران توجهی نشده، گرچه غیر از کلیاتی از گزارش مزبور چیزی در خاطر من نیست چه خوب بود که گزارش در دادگاه قرائت و معلوم می‌شد راجع به چه قسمتی از آن دولت اینجانب توجه ننموده است. همین قدر عرض می‌کنم که سر لشکر مزبور برخلاف معمول اغلب بسا روزنامه‌نگاران ما حبه می‌نمودند و راجع به امضاء تصویب تشویش و نگرانی می‌کرد و به یاد نگذاشته که در روزی که ترک کنند و چون به افسران شهر با نی هم بدون استئناس نسبت خلافکاری داده بود و از کاری پیشرفت نمی‌کرد و خواست به کار را ادامه دهد. و استعفا کرد.

و اما اینکه اظهار نمودم که تیمسار سر تیپ آرموده خود را به نفع می‌زند هرگز به تیمسار محترم چنین عرضی نکرده‌ام چون لازم نیست ایشان مرتکب چنین عملی بشوند. در مورد قتل مرحوم سر لشکر افشار طوس که اظهار نمود: وقتی نظریات خصوصی او را در دادگاه قرائت شود چنان پرونده‌هایی برای یک قاضی شرافتمند هیچ راهی باقی نمی‌گذارد جز آنکه تیرش "و نیز گفت" با پرونده‌ای که وزیر کشور مصدق تنظیم کرده با شد و اختیار را از دسترس دستگیران هفتای گرفته باشد و شندرا بی جزایر نمی‌توانستند بدهند" و از قاضی هم که رای به تیرا کت متهمین به قتل افشار طوس داده اند تشکر نموده اند.

گرچه از موضوع کار دادگاه خارج است چون به اظهاراتی که شده لازم می‌شود جوابی داده شود عرض می‌کنم مرحوم سر لشکر افشار طوس در شرف ریاست شهر با نی افسری بسا نظیر بود و غیر از اینجا موظف به نظری نداشت و به همین جهت با وضع بسیار فحش به قتل رسید. غرض از قتل او و جویز بود: یکی اینکه چنین افسری را از زمین بیرون بکشند این که تا بت کنند دولت آنقدر ضعیف است که رئیس شهر با نی آن را می‌راند و می‌کشند و قاتل در نیست قتل او را دستگیر کنند و گفته می‌شود که پس از قتل مرحوم افشار طوس می‌خواستند اشخاص مؤثر دیگری را هم همین ترتیب از زمین بیرون بکشند تا بت شود دولت رهبر نهفت ملی قادر نیست مملکت را اداره کند و روی فشار افکار عمومی تا چار شود که زکا برکنار شود.

این بود که آقای دکتر صدیقی وزیر کشور برای کشف جنایه وقت تلین اوجدیت نمود و به قاضی که در وقت جسد او را به راه‌نمایی بعضی از متهمین کشف کند و با زوجهی شروع شده جزئیات عرض می‌کنم اگر این کار به عهده ما مورین عادی محول شده بود دولت نظر خاص نمی‌کردند. ما از جرمین برده می‌شدند جنایه کشف می‌کردیم. جنایه کشف شد و اشخاص مظنون با زوجهی شدند و آنچه در زوجهی گفته بودند در دستگاه صوت ضبط گردید و چون دوستان یکی از متهمین در مجلس و راجع از مجلس گفتند که موقع با زوجهی به او زجر داده اند تا اقرار کنند این بود که صدای مضبوط تمام متهمین بوسیله آدیوبی استحضار عموم رسید تا تبلیغات مخالفین موضوع را از زمین ببرد. چنانچه قبول کنیم که در مرحله با زهری سوء جریانی واقع شده این سوء جریانی نمی‌بایست سبب سوء قضا و توقیضات این جرم را ندیده گرفته متهمین را تبرئه کنند و تیمسار سر تیپ دادستان هم از آنها تشکر کند.

در جلسه پنجمینهم ریبیست، تیمسار سر تیپ دادستان چنین اظهار نمود: در سال ۱۳۲۴ پیشه‌وری در آدیوبی جان قیام می‌کند. نخست وزیر وقت واقعات آدیوبی را به مجلس شورای ملی عرضه می‌دارد. دکتر مصدق که نما یینده ملت در دوره ۱۴ مجلس شورای ملی است پس از گزارش نخست وزیر گفت: "چنین می‌گوید: "من عرض نمی‌کنم که دولت خود مختار در بعضی از مسائل مثل دول متحده آمریکا شمالی و سوئیس نیست ولی عرض می‌کنم که دولت خود مختار را باید بر فر اندوم عمومی تشکیل شود" - قانون اساسی ما امروز از زنده تشکیل چنین دولتی را نمی‌دهد. که این جمله زندقه مرا تهیه کنندگان نطق از آن حذف کرده و به دست تیمسار سر تیپ دادستان دادند که قرائت نمود. ممکن است امضاء فرمائید اگر ملت رای داد مملکت ایران مثل دول متحده آمریکا شمالی و سوئیس دولت فدرالی شود ولی هیچ نمی‌توان گفت که در یک مملکت یک قسمتش فدرال یا یک شویک قسمت دیگرش دولت مرکزی باشد قاضی انسانی یک قرارداد اجتماعی است. اما امروز از زنده تشکیل است که این گفتار کلیتاً تا از طرف جا معاصی یا نقض نشود قابل اجراست. بنده هیچ مخالفتی ندارم که مملکت ایران دولت فدرالی شود یا بدولت فدرالی بهتر باشد که یک اختیارات داخلی داشته باشد و بعداً دولت مرکزی موافقت کنند و دولت مرکزی هم جریان بین المللی را اداره کنند ولی هر قسم تغییری که در قانون اساسی با ید داده شود باید بر فر اندوم عمومی باشد. این بود اظهارات تیمسار سر تیپ دادستان که با ید عرض

کنم من در چه موقع این نطق را در مجلس شورای ملی ایراد کرده‌ام. ما این نطق را من بعد از قرائت گزارش نخست وزیر وقت جناب آقای حکیمی در مجلس ایراد نموده‌ام و دنباله آن را تهیه کنندگان نطق تیمسار سر تیپ دادستان حذف کرده اند که آن را نیز عیناً "نقل می‌کنم: "آقای نخست وزیر گزارش واقعاتی را دادند که مردم همه می‌دانند که در آن استان فرقه‌ای به نام دموکرات و مجلس شورایی تشکیل شده و وزیرانی تعیین نموده اند من نمی‌دانم آقای نخست وزیر غیر از این چه فرمودند و چه راه‌حلی پیشینها در گذشته‌اند. بجای این که از قرائت گزارش ایشان گریه کنند اکثریت مجلس برای ایشان دست زد (نقل از کتاب سیاست موازنه منفی صفحه ۲۰۶).

تیمسار سر تیپ دادستان اگر می‌خواست بیطرفانه انجام وظیفه کند این قسمت زندقه مرا هم در جواب گزارش واقعات آدیوبی ایراد شده بود در این دادگاه و نقل می‌کرد و اکنون آن قسمت از نطق: "از آمدن ایشان اگر مقصود گزارش کار را زکا رگتت بودا شکالی نداشت. معروف است زمانیکه دکتر محمد کرمانشاهی معروف، یک نفری از اروپا آمده بود، زکلیه مریش سنگ بزرگی در آورد. آن وقت مخبران دوله وزیر علوم بود و در مجلس تعریف از دکتر مزبور می‌کنند و می‌گویند سنگی که زکلیه مریشی در آورد بزرگ تر از تخم مرغ بوده است. مخبران دوله می پرسد مریش چه شد؟ میگویند مرید. می‌گوید اگر اینطور بود من می‌توانستم قلوبه مریش را در بیابانم (خنده ضحاک) از آمدن ایشان مقصود این نبود که به مجلس یک چنین گزارشی بدهند و با لایحه قرائت کنند که راه‌گشایی می‌باشد. بلکه مقصود مذاکرات برای دولت ایشان مسود است بلکه مقصود این بود که ایشان دولت خود را از اعنا صربی طرف تشکیل و بلافاصله اصلاحات کنند که راه‌گشایی می‌باشد. همان کتاب صفحه ۲۰۶). اکنون لازم است عرض کنم که در دیماه ۱۳۲۴ یعنی درست همان ایامی که تا زنده پیشه‌وری و طرفدارانش با استغناء از واقع ناگوار داخلی و سیاست خارجی را به آدیوبی جان را مرکز قطع کرده بودند. کنفرانس وزرای خارجه و دولت برای مذاکره و وصل مسائل تا شیب از جنگ در مسکو تشکیل گردید. مردم روشنفکر این مملکت تصور می‌نمودند در این کنفرانس راجع به کشور ایران واقعات قوای خارجی در قضا سفانگیزد آدیوبی جان مذاکراتی خواهد شد و مخصوصاً نگران بودند از اینکه در کنفرانس نسبت به ایران تصمیماتی اتخاذ کنند که به تمامیت و استقلال ایران لطمه وارد کند و برای این نگرانی قرائتی هم موجود است. زیرا از یک طرف تقاضای مکرر دولت حکیمی نسبت به حضور نما یینده ایران برای شرکت در مذاکراتی که راجع به کشورما در کنفرانس مسکو بعمل می‌آید مورد قبول دول عضو کنفرانس یا بعضی از آن دول واقع نشد و از طرف دیگر سفرای انگلستان و آمریکا در تهران از طرف دولت خود به مسکو آمدند و این امر نشان می‌دهد که راجع به ایران هم مذاکراتی می‌شود که دول ما میرده حضور نما ییندگان سیاسی خود را در کنفرانس مزبور لازم شمرده اند مخصوصاً اینکه در همان اوان یعنی مقارن تشکیل کنفرانس را دیولندن که نسبت به وقایع آدیوبی جان همیشه اظهار ریبیستی می‌کرد، لحن خود را تغییر داده و از فساد دستگاه حکومت ایران مخصوصاً از عدم توجه به عرایض و شکایات اهالی آدیوبی جان و به مورد بودن قسمت اعظم اعتراض دموکراتها را متوجه من می‌کند. به این جهت مردم این مملکت با بی صبری تمام منتظر خاتمه کار کنفرانس بودند و خبر را دیولندن در ۱۵ دیماه ۱۳۲۴ بدین ترتیب منتشر شد:

"اتهران خبری رسد سر ریور بولارد سفیر انگلیس و مستر والاس سفیر آمریکا در تهران به دولت ایران پیشنهاد نموده اند که با تشکیل یک کمیته سه نفری که از نما ییندگان شوروی و انگلستان و آمریکا تشکیل شده موافقت نمایند تا اوضاع ایران را به طور عمومی از نظر اوضاع ایران با سه طور خصوصاً سر ریور بولارد و سفیر کبیر مزبور در این باره با اعلیحضرت شاهنشاهی ایران محامداً نگاه

نیز مذاکراتی نمودند و این پیشینها در به معظم له هم تقدیم کرده اند. دولت ایران هنوز جواب موافقی به این پیشینها نداده است و تا بدینجا هد قبل از موافقت با این پیشینها آن را به مجلس شورای ملی عرضه کند. در محافل لندن اظهار می‌شود که دولت انگلستان در باب تشکیل یک کمیته سه نفری برای بررسی اوضاع ایران هنوز به رای قبلی خود در باره تشکیل چنین کمیته‌ای با قیاسی است. (همان کتاب صفحه ۲۱۸). روزنامه کیهان مورخ اول دیماه ۱۳۲۴ راجع به اظهارات را دیولندن و تغییر لحن آن چنین نوشت: "را دیولندن که از آغاز آغاز آدیوبی جان همواره دموکراتها را متعصبان را جو و بیگانه‌نوشوری می‌خواند از شب آدیوبی تا گه‌ان لحن خویش را نسبت به حوادث آدیوبی جان تغییر داد. بدین قرار که پس از آنکه در سوئیس قاضی خود قسمت مهمی از نطق دکتر مصدق را نقل کرد، در همان سوئیس و سپس در سوئیس اخبار انگلیسی خود سخنان دکتر مصدق را راجع به فساد دستگاه حکومت ایران و مخصوصاً عدم توجه به عرایض اهالی آدیوبی جان و به مورد بودن قسمت اعظم اعتراض دموکراتها را تا یید نمود و برای آنکه حقیقت بیانات پرمغز و تاریخی نما یینده، اول تهران را به گوش ساکنین جهان برسانند چنین استدلال کرد: "سخنان دکتر مصدق از آنجا در خورا اهمیت و توجه حاصل است که وی همان نما یینده‌ای است که چند پیش در پارلمان ایران طرحی را به تصویب رسانید که دولت ایران به هیچ وجه حق ندارد در باره هیچ یک از کشورهای بیگانه راجع به موضوع اعطای امتیاز نفت داخل مذاکره شود" یعنی اینکه سخنان دکتر مصدق از روی نهایت بی‌غرضی ایراد گردیده و حقیقت محض است...

در ساعت ۱۲ و نیم جلسه ختم شد و جلسه آینده به ساعت ۹ صبح روز بعد ۲۲/۲/۱۹ موقوف شد.

از جلسه بیست و چهارم رئیس دادگاه (خطاب به آقای دکتر مصدق): بقیه لایحه خود را قرائت فرمایید. بقیه در صفحه ۹







# آرایش رزمی سرداران ۲۸ مرداد

کشور با حضور وزیر کشور و رئیس ستاد (دکتر صدیقی و تیمسار ریاحی) میفرستد و ایشان در آنجا می‌شوند که دولت می‌خواهد بسا عراق وارد جنگ بشود و با انگلیسی را که در آنجا اجتماع کرده اند تا رومار سا زد، ایشان با این جنگجویی مخالفت میکنند و در ملاقات روز بعد با مصدق، متوجه میشوند که رئیس دولت هم با ایشان هم عقیده است و حمله به عراق و جنگ با آن کشور را مصلحت نمی‌داند.

اگر این قصه در خور سیرال امریکائی "بالتر زخطر" را با ورکنیم، نمیدانم چطور ایشان موفق شدند "جلوی فاجعه" را بگیرند در حالی که رئیس دولت هم مخالفت فاجعه بود است؟ خدا رحمت کند مشقا سمنوکر معروف دانشمندان ناپلئون را که با کاردانی و شجاعت تاریخی خود، چندین مملکت غیاث آبا دراز چشم زخم قشون انگلیس نجات داد.

اما اگر بخوانیم، به حکم جاکم، یک قسمتی از این قصه را هرچو هست با ورکنیم، آن قسمتی خواهد بود که شرح می‌دهد چطور دکتر مصدق ایشان را مأمور رفتن به کمیسیون میکند:

موضوع کمیسیون را پرسیدم تا بتوانم خود را برای آن آماده کنم. گفت موضوع را در آنجا خواهید فهمید. گفتم آیا این کاری است که وزارت خارجه نسبت به آن سابقه دارد؟ با زهمان پاسخ: "در آنجا خواهید فهمید" را تکرار کرد. من چند لحظه به فکر فرورفتم. ضمناً "متوجه شدم که دکتر مصدق طوری به من نگاه می‌کند که می‌خواهد بفهمد که دیگر کاری با من ندارد و باید زحمت را کم کنم. با این حال پرسیدم: حتی یک اشاره کوچک هم نمی‌توانید بکنید که اقلاً حاضرالذهن باشم؟ گفت نه.

بفرض صحت، وقتی رئیس دولتی معاون وزارت خارجه اش را برای شرکت در کمیسیونی - آنهم برای رسیدگی به امری که خود او با آن مخالفت است - می‌فرستد و حاضر نمی‌شود حتی یک کلمه اشاره به موضوع مورد بحث بکند، ذهن سالم متوجه سوء ظنی میشود که مصدق به خیلی از رجال با زمانه دوران نوکر مآبی، مخصوصاً رجال وزارت خارجه داشت. و تنها محلی که میتوان برای این نوع احتیاط کاربها تراشید، نگارنی او از خبرچینی و گزارش فوری به سفارت انگلیس است. شهسادت "وودها" که بعدها نوشت پیش از وصول یا دداشت قطع روابط به سفارت، از موضوع اطلاع یافته اند، و همچنین منتظر خدمت شدن دونفر از روی درجه اول وزارت خارجه، در آن ایام، بخودی خود گویاست.

اما درباره دست داشتن آقای مفتاح در کودتای ۲۸ مرداد، تنها چیزی را که در این زمینه نقل میکنند رفتن به قسم و نصیحت به آیت الله بروجردی در اقدام علیه دولت است که آقای بروجردی ظاهراً

میگوید: "بسیار خوب فکری خواهم کرد". پس نقش ایشان که میگویند "در بوجود آوردن ۲۸ مرداد دستی داشتم" کجاست؟ از این ملاقات با آقای بروجردی تا مراجعت مرحوم محمد رضا شاه از رم، هیچ اثری و خبری نیست، یعنی از اینجا به آنجا جست میزنند:

هنگامی که شاه از غیبت سه روزه خود برگشت جمعیتی که به استقبال رفته بود و از فرودگاه تا کاخ یعنی مسافت بیست کیلومتر را پر کرده بودند تا پیش از نفوذ بروجردی خیلی بیشتر بود. دلار مورد دعای "سی.آی.ای" بود که اگر هم نمی‌پرداختند فرقی نمی‌کرد. بعد نتیجه میگیرند که: "پس ۲۸ مرداد درویش میمونی برای ایران به شما میرود و شکی نیست که هر تا ریخ نویسی بیغرض آن را یک روز میمون برای ایران ثبت خواهد کرد. پابنده ایران."

بسیار خوب، ما دوباره رخت و لباس شادی و سرور میدوزیم که این روز میمون را جشن بگیریم و پاپیکوسی کنیم و طلا گاهی نداریم که اگر "سی.آی.ای" چند هزار دلار می‌پرداخت یا نمی‌پرداخت چه فرقی میکرد - و کاری نداریم که اگر نفوذ بروجردی بیش از چند هزار دلار "سی.آی.ای" بود، چطور علیرغم فتوای تحریم فراتر بروم، از طرف همین آقای بروجردی، آن تعداد بی سابقه از مردم در راه دادن شرکت کردند و با آن اکثریت به انحلال مجلس راهی دادند. و کاری نداریم که تا ریخ نویسی بی غرض که میخواست این روز را به عنوان یک روز میمون در تاریخ ایران ثبت کند، ممکن است قبل از ثبت بپرسد که: چه شد این روز میمون به پُرف آخوندقم به شب سیاه نامیوم تبدیل شد و اگر این دا روایت قدر معجزه گروه عیسی دم بود، چرا مریض مرد؟ و چرا بنده او ایشان - بخصوص ایشان که میفرماید ۸۲ سال دارند - امروز با بد آوارها بین شهروان شهر با شیم، نه، به اینها کاری نداریم، اما "دست داشتن" آقای سفیر کبیر در "۲۸ مرداد" ناگفته ماند.

نصیحت و دلالت به آقای بروجردی که "دست داشتن" نمی‌شود، از آنجا که ایشان - با آنکه در باره نقش خود احساس شرمندگی نمی‌کنند و آن را اقدام میهن پرستانه ای میدانند - از توضیح آن طفره رفته اند، ما آدمهای فضول، ناچاریم به منابع دیگر رویا وریم و به حدس و گمان متوسل شویم.

مفصل ترین شرح واقعه بوسیله دونفر از ما مورین اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ یکی "وودها" و "س" موراینتلیجنت سرویس، و دیگری "گرمیت روزولت" ما مور "سی.آی.ای" بیان شده است که هر دو به اتفاق تاء کیدی می‌کنند که عوام ایرانی آنها، دوباره در خدمت سفارت انگلیس و دوباره در خدمت سفارت امریکاست بوده اند، با فاه یکی از رجال مملکت با

نام مستعار "عمر" که خبرهای جلسات هیئت دولت را برای آنها میبرد است. اما می‌جفت از برادران - رشیدیان - فاش شده است ولی جفت دیگر برادران و عمر هنوز در پرده بها مانده اند. اگر آقای مفتاح یکی از آنها هستند، منطق افتخار کردن به ۲۸ مرداد از یک طرف و انصاف از طرف دیگر، حکم میکند که استخوان لای زخم نگذارند و خود را معرفی کنند. در غیر این صورت حق یکی زدو گروه را ضایع می‌کنند. یا حق عمر و برادران و یا حق سرداران ۲۸ مرداد: آقایان شعبان جعفری - طیب حاجی رضائی - اکبر گیلگله - حسین رمضان بیخی - و بانوان ملکها عضادی - پسرئی زندان - قزی - صغری علی آبادی (ایران غول)، که هیچکدام مروا نیست حقشان ناحق شود.

سخن به درازا کشیدیم کلام دیگر هم عرض کنم و بروم به تدارک رخت و لباس نو برای برپا کردن جشن و سرور کودتای ۲۸ مرداد دو تهیه پاداش قند و گلاب برای آقای مفتاح بپردازم.

عنوان بسیار درشت مقاله آقای عبدالحسین مفتاح در روزنامه "کیهان" بسیار قابل توجه بود:

۲۸ مرداد ضد کودتای ۲۵ مرداد بود کودتا را شب ۲۵ مرداد، دکتر فاطمی با اشغال کاخ سعدآباد و مهمور کردن درهای آن انجام داد و جنبش مردمی ۲۸ مرداد در واقع ضد کودتای ۲۵ مرداد بود.

بنده دفعه اول که مقاله آقای مفتاح را در کیهان خواندم، با "چنین مضمونی در متن مقاله ندیدم، دوباره و سه باره خواندم، با "نه، اسمی زد که فاطمی بود و ضد کودتا و نه اشغال و مهر کردن کاخ سعدآباد.

در حال تاء مل و تفکر و حیرت از اینکجه روزنامه این تیتراها را زکا آورده است یا دا و سا اسماعیل مسگر فاشم، یا دم می آید یک روزی برای کاری، پیش آقای رازی معاون شهرداری تهران رفتسه بودم، گرفتاریک ارباب رجوع مفلوک کروال سماج شده بود، دلش نمی آمد دستور بدهد و را از اطاق بیرون کنند، حرفش را هم نمی فهمید.

مرد بینوا ضمن اصوات نامفهومی، با حرکات سرگردان و دست میخواست مطلبی را حالی کند، با دستها تقلیدجا روکشیدن در می آورد، انگشتی به زبان میزد، بعد پنج انگشت با دست راست را با لامیبرد و با دست دیگر به عکس شاه بالای سرمعاون اشاره میکرد.

ما جراتما می‌داشت، از زکا رماندان این آمدو آن آمدو چیزی نفهمید، فرستادند دنباله اوسا اسماعیل مسگر، کجه میگفتند زبان او را می فهمد، او سا اسماعیل رسید و از پرسید:

ها ن؟ چه، حسن آقا، چی میخوای؟ مردلال همان حرکات را در برابر او سا اسماعیل مسگر تکرار کرد: زسست جا روکشی - انگشت به زبان - پنج انگشت با - اشاره به عکس شاه.

اوسا اسماعیل مسگر پیروزمندا نه بطرف معاون برگشت و گفت:

## درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۲۰ فرانک فرانسه - شش ماهه ۱۱۰ فرانک فرانسه - دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام و نام خانوادگی شما (فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی: Nom ..... نام: Prénom ..... آدرس: Adresse: .....

ما بایم نشریه "قیام" ایران را به مدت یک سال (۱۲ شماره) به مبلغ ... فرانک فرانسه به حساب بانکی نشریه ... به حساب پستی نشریه ... ارسال می‌کند. تاریخ: امضاء:

شماره حساب پستی: QYAM IRAN C.C.P. No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

## توجه لازم

تتمه دارد تقاضای اشتراک را به آدرسی قیام ایران ارسال فرمائید. نام و آیدی که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی‌رسد.

### رایه ایران ساعت های پستی برتانه

برتانه اول  
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت شهران: روی امواج کورتسایه ریدهای ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۳۱ متر (فرکانس ۱۵۸۵ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۱۵۱۴ کیلوهرتز).

برتانه دوم  
ساعت ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج کورتسایه ریدهای ۱۹ متر (فرکانس ۱۶۳۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۶۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲/۵۵ به وقت شهران روی امواج کورتسایه ریدهای ۲۱ متر (فرکانس ۱۶۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۶۰۰ کیلوهرتز).

قربان، این حسن بلبیل عرض میکند که ما سپور برزن بودیم، رئیس تازه برزن ما را چونکه لال و کریم جواب کرده، ما پنج سرعیال داریم، شما را به جقه اعلیحضرت دستور بدهید ما را دوباره سرکار برگرداند... اوسا اسماعیل آبدهنی فرورید و او را مسد داد:

ضمناً "عرض میکنم که این اسفالت جلو دکان اوسا اسماعیل مسگر چه چوله شده، تا کسی ها و موتورها که رد میشوند گل ولجن ترشح میکند به درویشها دکان، بی زحمت دستور بفرمائید تعمیرش کنند، که این بنده خدا با هفت سرعیال و اولاد از زنان خوردن نیفتد.

بقیه از صفحه ۱

که مردم به رفاه برسند و نان را حسرت بخورند و ولی با لایحه‌ها بیدیک کاری کرد. در صورتی که قحطی افتاده بود و هیچ کس چیزی برای خوردن نداشت می شد به مردم گفت بلائی آسمانی است و جنبه عام دارد و جز تحمل چاره نیست. ولی وقتی مردم می بینند همه چیز هست و آنها که پول بی حساب دارند چه بخواهند می توانند بخورند طبیعا " به ریشامای که " امید مستغفان جهان " لقب گرفته و حکومتی که مدعی برقرار کردن " قسط اسلامی " است می خندند. پس چه باید کرد که توده مردم مطمئن شوند دولتی بدین احتشام و بدین عظمت، دولتی که پشت شرق و غرب را بلرزها فکنده است، پشت گرانفروشان را هم میتواند بپاک برساند؟

مردم قزویین تا "دخو" را داشتند غمشان نبود. هر مشکلی را، از جزئی و کلی، به محض دخومی بردند و دخو، با آن رای رزین و فکرمترین، رهنمودهای محیرالعقول ارائه می کرد و مشکل حل می شد. در جمهوری اسلامی نیز سایه امام بزرگوار بر سر ملک و ملت قائم است و با وجود این موهبت استثنائی، دولت احتیاج ندارد مثل جاهای دیگر دنیا وقتی با مشکلی روبرو میشود به متخصصین فن مراجعه کند.

بدینسان، یک روز صبح مردمی که فکر و خیال گرانی و تورم روز افزون خواب شبانه را از چشمان ربنوده است وقتی پیچ را دیوار بازمی کنند بشنیدن یک خبر بهجت اثر، نگرانی هایشان یکسره زایل میشود و از شدت خوشی قریب کمرشان می دهند و بشکن می زنند. خیرا بنست:

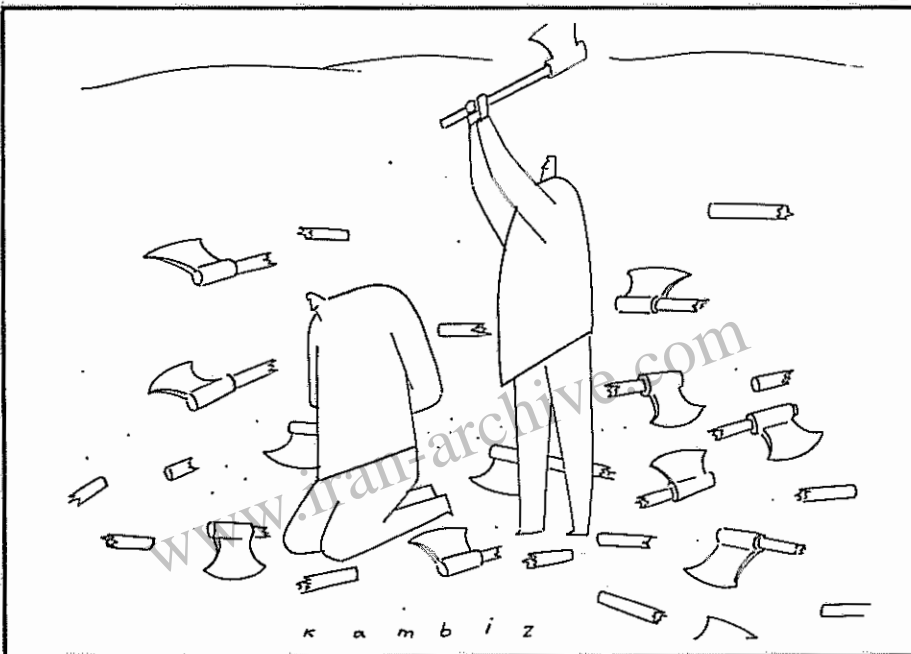
" در پاسخ عریضه آقای نخست وزیر، امام امت موافقت فرمودند که دولت در مقابل با مسأله گرانی با قاطعیت برخورد کند!! "

متعاقب این خبر، بوق و کرنا آغاز میشود. هیأت دولت، اول آفتاب جلسه فوق العاده تشکیل می دهد و در پایان جلسه آقای نخست وزیر ضمن مباحثه می گوید: " اما امت همیشه در راه بطله با اقداماتی که دولت برای محرومین و مستضعفین انجام می دهد کمک فرموده اند و اختیاراتی که ایشان

## پشتوانه شرعی!

برای مبارزه با گرانفروشی و جلوگیری از نداشتن مگر جریمه نمی کردند و شلاق نمی زدند؟ چرا! هم قوانین شدا دوغلاظ وجود داشت، هم شلاق، هم جریمه، هم گرفتن و بستن هم مصادرها موال، اما به این دلیل اثر نمی کرد که طبق ادعای دولت "پشتوانه محکم شرعی" نداشت!! آقای عابدی جعفری وزیر بازرگانی می گوید: "یکی از محسنات این طرح نسبت به طرح های قبلی اینست که پشتوانه اش فرمایش

به دولت دادند یکی از مهمترین اختیارات است. ولی همانطور که این اختیارات خوشحال کننده است در عین حال مسئولیت سنگین بردوش دولت می گذارد. به همین جهت در هیأت وزیران مذاکره بعمل آمد و قرا رشد کمیسیونی در همین رابطه تشکیل و به طور منظم و مرتب کار کردند و آئین نامه ای برای این منظور تنظیم نمودند و برای این که از افراط و تفریط جلوگیری شود سعی می کنیم درین رابطه حالت



حضرت اما موا اختیاراتی است که ایشان در این زمینه به دولت داده اند. نکته ای که در طرح های قبلی قابل توجه بود این است که در برخی شهرها به دلیل مباحثی شرعی، مخالفت هایی با اساس نرخ گذاری میشد و لذا مسئولان حاضر نبودند این کار را انجام دهند. بهمین خاطر اگر در یک شهر طرح نرخ گذاری اجرا می شد بلافاصله قانون ظروف مرتبطه عمل میکرد و کالاهای در شهری جریان می یافت که نرخ گذاری در آن صورت نمی گرفت... "

اول باید یک شاگرد مدرسه سال اول دبیرستان پیدا کنیم که قانون ظروف مرتبطه را برای آقای وزیر بازرگانی

شنا بزدگی نداشته باشیم. حساب شده و تواءم با نظم قدمها را برداریم تا مسائل بخوبی حل شود! "

آقای نخست وزیر از آنجا که ما امت را به این شرح برای اطلاع عموم قرائت می کند:

" دست شما برای نرخ گذاری همچنان با زاست، با قاطعیت عمل کنید و جهت اجرای ضوابط و قیمت های تعیین شده میتوانید از تعزیر حکومتی استفاده کنید! "

آن سؤال شیطنت آمیزی را که به ذهنتان راه یافته است روی لبها پتان می خوانیم: مگر تا بحال دولت با گرانفروشی مبارزه نمی کرد؟ مگر قوانین کافی

جمهوری اسلامی شرح بدهد. قانون ظروف مرتبطه اینست که اگر در چند ظرف که بهم را داشته باشند آب بریزیم آنها را بهر حالتی نگه داریم آب در سطح مساوی قرار میگیرد. این قانون هیچ ربطی با آنچه ایشان می خواهند بفرمایند، یعنی فرارکالوسرما یا ز نقطه ای به نقطه دیگر ندارد. گرانی و گرانفروشی مسأله شناخته شده ای است و راه حل های علمی و فنی شناخته شده دارد. اول باید حکومت تعیین کند که در مسائل اقتصادی تابع چه مکتبی است و بعد، بر طبق ضوابط همان مکتب بین عرضه و تقاضا رابطه منطقی برقرار کند و تولید و توزیع را نظم بدهد تا موجبات گرانی و گرانفروشی زمیان برود. و حال آن که حکومت آقای خمینی هنوز تکلیفش با خودش معلوم نیست. حکومتگران میگویند این دولت نوسوسیا لیستی و نه کاپیتالیستی، بلکه دولت فقهی است. اما دولت فقهی در برخورد با تمامی مسائل، بعد از مدتها کلنجار رفتن و از راست به چپ و از چپ به راست غلتیدن، بالاخره بجایی میرسد که می بیند " فقه " دست و پا ییش را بسته است و برای آن که طناب فقرا را ببسرد ناچار ملتجی به حضرت امام میشود و با فتوای امام خود را از قید محظورات فقهی خلاص میکند.

در همین فرمان اخیر، حضرت امام اختیار فوق العاده ای به دولت داده جز این که او را مجاز به تخلف از مقررات شرعی دانسته است. چندی قبل پنجاه چهارتن از وکلای مجلس شورای اسلامی طرحی در باره تشدید مجازات گرانفروشان تهیه کردند و به تصویب مجلس رساندند که همه نوع اختیارات به دولت می داد ولی شورای نگهبان آن را بدلیل مغایرت با موازین شرعی نپذیرفت.

حکم شرع روشن است و فقهای شوری نگهبان در تشخیص خود اشتباه نکرده اند. پس فرمان حضرت امام یک کلاه شرعی است و ضمنا "اقرار به این که در آخر قرن بیستم، مملکت را با حکومت شرعی و مقررات فقهی نمیتوان اداره کرد. در آینده خیلی نزدیک خواهیم دید که همین کلاه شرعی نیز کمترین اثری در وضع بازار نخواهد کرد و شلاق زدن گرانفروش چاره گرانفروشی نیست. اعمال آن که شلاق زدن اسمش تعزیر شرعی با شداید تعزیر حکومتی.

این است که:

آیا این انبوه قیاس ها و شاهدا، با زحمات دوزدگان را کفایت نمی کند که چشم از رحمت موهوم "خواجگان" بردارند و طلسم ها را بشکنند و خود را باور کنند؟



## عجزه در انتظار معجزه

بقیه از صفحه ۲

ابتدائی ترین اصول انسانیت را پایمال می کند با دولتی که جز در اندیشه ای انقلاب تعصب باورش نیست با هیچیک از مبانی عقل و منطق سازگار نیست؟ " گفت: " نمی توان و نباید با خمینی مردی که بنا ما و تحت مسئولیت او، این همه جنایت انجام شده است سازش کرد؟ " گفت: " این رژیم تنها در داخل مرزهای خود، با تکیه بر شیوهی ارمباب و وحشتی بی رحمانه حکومت می کند بلکه با گستردن شبکه های تروریستی و گروگان گیری در جهان و با مداخله های شکار

در مورد اخلی همسایگان، با توسل به آشوبگری و جنگ، امنیت و صلح خاورمیانه را به خطر می اندازد؟ " حکایت آنهاست که با همه کزوفتر، به بیراه رفتند و آنها که بی کزوفتر روشن دیدند و درست قضاوت کردند، ویرش آخر

هم میهنان عزیز! هر روز تلخ خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شما را در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد.

۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

نشانی: QYAM IRAN C/O G.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد